

## تزهائی در باره تحول انقلابی در ایران

و خط مشی سیاسی و تاکتیکی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

تزهائی کنگره دهم حزب حکمتیست در باره جنگ در اوکراین،

بربریت کاپیتالیسم و مصافهای کمونیسم امروز

سند پیشنهادی به کنگره دهم حزب

## اولویت های فوری حزب در کردستان

پیام کنگره دهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به جنبش آزادی زن

### آینده از آن ماست!

نظام آپارتاید جنسی بقدرت ما در آستانه سرنگونی است!

پیام کنگره دهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به طبقه کارگر ایران

### نوبت ایفای نقش طبقه کارگر است

برای تصرف قدرت سیاسی و برپائی حکومت کارگری آماده شویم!

پیام کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست به زندانیان سیاسی

جنبش انقلابی بزودی درب زندانها را می شکند و آزادتان می کنیم!

بیانیه کنگره دهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

### به کارگران و مردم انقلابی

با قاطعیت در مقابل آلترناتیو راست و بورژوائی بایستیم!

پیش نویس آئین نامه کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

قرار پیشنهادی به کنگره دهم حزب

## اسناد کنگره ۱۰

**Toward Socialist Revolution!**

**به سوی انقلاب سوسیالیستی**

The 10<sup>th</sup> congress of Worker-communist Party of Iran - Hekmatist  
October 2022

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -  
Hekmatist

مهر ۱۴۰۱ - اکتبر ۲۰۲۲

**دعوتی از همزمان کمونیست**

**زمان شکل و تحزب است!**

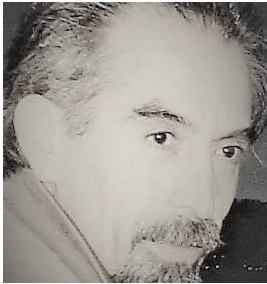
سیاوش دانشور

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در روزهای آتی در متن یک اوضاع متحول و انقلابی برگزار میشود. بر همه ما روشن است که دوره سرنوشت ساز و تعیین کننده ای برای کارگر و کمونیسم آغاز شده است. شعله های انقلاب زبانه می کشد، رویدادهای خطیر، صحنه های شگفت انگیز و غیر قابل تصور پیش روی ماست. ما در اوضاعی هستیم که عمل رادیکال، سیاست کمونیستی، حزب کمونیستی و بلشویکی میتواند نقش تعیین کننده و تاریخساز داشته باشد. این اوضاع از همه ما می طلبد، گذشته ها را به گذشته واگذار کنیم، مشغله ها و مسائل دوره پیشا انقلابی را به بایگانی بسپاریم، روی مسئله مرکزی سیاست تمرکز کنیم، بمناب کمونیست و مارکسیست و پراتیسین انقلابی روی عنصر و المنت تصمیم فردی و جمعی و اراده انقلابی متکی شویم، با تمام ظرفیت و اندوخته و توانائی مان وارد صحنه شویم.

صفحه ۲

چه کسی نمیداند وقتی رفتن

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**



انقلابی نیست. منافع و اهداف طبقاتی برای کمونیست ها همواره مقدم بر هر منفعت خرد و سکتاریستی بوده است. ما در این نبرد به هزاران کادر کمونیست، به نیروی نظامی قدرتمند، به امکانات مالی و رسانه‌ای، به ابتکار عمل انقلابی و بسیار مسائل دیگر نیاز داریم. مسئله ابدأ کوچک

نیست، بحث برسر یک پیروزی کارگری در یک جامعه هشتاد و چند میلیونی و یک کشور مهم در ژئوپولیتیک سیاسی و افکار عمومی جامعه غربی است. این پیروزی مطلقاً ساده نیست، مطلقاً بورژوازی بعنوان یک طبقه از صحنه سیاسی کنار نمی‌رود، حتی بعد از سرنگونی ما با مسائل بسیار بزرگ و پیچیده روبرو خواهیم شد. همه اینها و بسیاری مسائل دیگر بر ما روشن است. حرف ما اینست که کل جوهر کمونیسم و مارکسیسم و انقلابیگری و تجارب همه ما در اینروزها به آزمایش گذاشته میشود. اینها تصمیم انقلابی، اراده پولادین، مبارزه متحد و فداکاری فردی و جمعی را طلب میکند. ما باید تلاش مان را بکنیم، اینرا به طبقه کارگر، به کودکان کار، به دهه‌ها میلیون انسان به فقر و فلاکت محکوم شده، به زنانی که بیش از چهار دهه توسط نظم کثیف اسلامی تحقیر و سرکوب شدند، به فرزندانمان، به نسلهای آتی بدهکاریم. این اوضاع از کمونیست‌های ایران کار متفاوتی را از کل تاریخ تائکونی طلب میکند.

رفقا، شما را تشکل و تحزب، به همراهی و همسنگری، دعوت میکنم. کنگره دهم حزب برای ما کنگره ای برای مهمترین تصمیم سیاسی تاریخ ما کمونیست هاست. کنگره ای برای انقلاب کارگری و سوسیالیستی. در کنگره خودتان شرکت کنید، این حزب شماست!

۴ اکتبر ۲۰۲۲

## دعوتی از هم‌زمان کمونیست

### زمان تشکل و تحزب است ...

رژیم اسلامی مسجل شود، باز همین دولتهای فخیمه دمکرات و سازمانهای حرفه ای جاسوسی شان انواع دستجات فاشیست را بجان مردم می اندازند، تلاش می کنند از بالای سر زنان و مردان و کارگرانی که با فداکاری ستودنی می جنگند، حکومت ارتجاعی دیگری را بر مردم تحمیل کنند. معادله بروشنی برسر "ما" یا "بورژوازی" است، برسر دو راه حل، دو دولت، دو جنبش سیاسی و اجتماعی متخاصم، دو آینده است.

سرنگونی جمهوری اسلامی محتوم است، پایان این وحشت میتواند پایان هر دولت استبدادی و پایان استثمار و بردگی و پایان تبعیض و نابرابری باشد. این اما در گرو اینست که یک نیروی قدرتمند، یک کمونیسم قرن بیست و یکمی ابتکار عمل سیاسی را بدست گیرد و پیروزی بر جمهوری اسلامی را به یک پیروزی کارگری تبدیل کند. حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست مصمم است در این جدال شرکت کند، تلاشش را بکند، جنگش را بکند، ما میخواهیم اگر قرار است شکست بخوریم بگذارید در میدان جنگ انقلابی شکست بخوریم. ما بر کمبودها و موانع عظیم همین امروز برسر راه مبارزه کمونیستی و جنبش طبقه مان آگاه هستیم. ما شعار نمیدهیم و رویمان را از حقیقت بر نمی گردانیم. اما می گوئیم و تاکید داریم که باید مشخصات دوره را بشناسیم، در این جنگ میدان را خالی نکنیم، نیروی پیروزی کمونیسم را بسیج کنیم و این گام بلند را برداریم.

### رفقای کمونیست!

وقت آنست که متشکل شویم. برای کمونیستها بیش از هر زمان وقت تشکل و تحزب است. اختلافات تئوریک و سیاسی و تاکتیکی توجیهی برای در کنار هم قرار نگرفتن در سنگری واحد در دوره



**مرگ بر جمهوری اسلامی!**

قطعه‌نامه پیشنهادی به کنگره دهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

## تزهائی در باره تحول انقلابی در ایران

### و خط مشی سیاسی و تاکتیکی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

زن و مرد و مردم کارگر و زحمتکش است.

شرط پیروزی جنبش انقلابی جاری اینست که اولاً، مبارزه توده ای کنونی وسیعاً و میلیونی گسترش یابد تا امکان سرکوب را به حداقل برساند. ثانیاً، گسترش مبارزه توده ای رژیم و نیروی سرکوب را از هم می پاشاند و سنگرهای فتح شده تاکنونی را تثبیت میکند. ثالثاً، بخشهای مختلف جامعه از ادارات و بخشهای خدماتی و فرهنگی و هنری و ورزشی را بمیدان میکشد. رابعاً، این امکان را به طبقه کارگر میدهد تا در بخشهای مهم و نفسگیر با اعتصاب کمر رژیم را بشکند. همین امروز فرزندان کارگران و مردم حاشیه نشین و ستمدیده، دانشجویان و جوانان عاصی از وضع موجود، توده های فقر زده و به فلاکت کشیده شده، بوسعت در اعتراضات و مبارزه انقلابی حضور دارند. اما حضور سیاسی و اعتصابی طبقه کارگر نه فقط پیروزی را تضمین میکند بلکه کل تحول سیاسی و انقلابی را وارد فازی نوین و یک انقلاب عظیم اجتماعی میکند.

#### وضعیت کنونی و چشم انداز سیر رویدادها

۱- به یمن حاکمیت جهل و جنایت سرمایه داری، ایران دومین کشور فلاکت زده جهان است. شکاف طبقاتی و تفاوت درآمدها، مقایسه دستمزد و سطح معیشت کارگران و اکثریت مردم با طبقات دارا و بورژواها، بیانگر یک گسست تمام عیار طبقاتی است. فقر روزافزون در کنار فلاکت اقتصادی، توده های دهها میلیونی طبقه کارگر را در موقعیت ویژه و غیرقابل تحملی قرار داده است. سر کار آوردن رئیسی جنایتکار تنها در یکسال فقر مطلق را چند برابر کرده و سیاست "جراحی اقتصادی" و آزاد سازی قیمتها، دورنمای تاریک تری را مقابل مردم کارگر و زحمتکش قرار داده است.

۲- تا قبل از خیزش توده ای و انقلابی اخیر، جنبش طبقه کارگر موثرترین و قدرتمندترین جنبش سیاسی و طبقاتی در صحنه سیاست ایران بود. اعتصابات و اعتراضات پرشور و گسترده معلمان، پرستاران، بازنشستگان، رانندگان، حاشیه نشینان، هنوز گوشه کوچکی از قدرت اجتماعی طبقه کارگر را منعکس میکند. خصلت این اعتراضات شکستن مرتب تناسب قوا و ترسیم افق و خواستههای جامعه است که خود را هر بار در شعارهای اعتراضات توده ای منعکس میکند. مبارزات و اعتراضات کارگری علیه کارفرمایان و حکومت حافظ سرمایه، مقدمات عروج خیزش توده ای کنونی و در ادامه بمیدان آمدن جنبش میلیونی طبقه کارگر است.

۳- یکی از سوالات کلیدی جامعه ایران مسئله زن

جامعه ایران در کشاکش یک انفجار عظیم، یک نبرد شورانگیز و قهرمانانه، یک تحول بیسابقه و دورانساز است. این یک تحول انقلابی است که ماهیتاً با کل تاریخ سیاسی یک قرن گذشته ایران متمایز است. این خیزش منکوب شدگان و سرکوب شدگانی است که دیگر سلطه ننگین ارتجاع اسلامی و استبداد پلیسی سرمایه را نمی پذیرند. این حرکت انقلابی نسل جدید زنان و مردانی است که آمده اند تا تاریخی نوین را بسازند. این تحولی رادیکال و ضد اسلامی است که به تغییراتی زیر و رو کننده در خاورمیانه و کشورهای اسلام زده منجر خواهد شد. این تحول فی الحال دنیا را تکان داده است و سمپاتی صدها میلیون انسان پیشرو و آزادیخواه را بخود جلب کرده است. این خیزش انقلابی جنبش آزادی زن را گامها بجلو برده است و می رود که الگوی آزادی زن در ایران را جهانی کند.

زنان یک آکتور اجتماعی مهم و پیشتاز این تحول انقلابی اند. در کمتر تحول توده ای و انقلابی قرن بیستم زنان اینگونه در قامت رهبر و میلیتانت ظاهر شده اند. برگرفتن دستجمعی حجاب اسلامی و به آتش کشیدن این بیرق بردگی زن امر ساده ای نیست. این آغاز تلاشی برای درهم کوبیدن جنبش تروریستی اسلام سیاسی، تحولی مهمتر از رنسانس، حرکتی پیشروتر و سیاسی تر از جنبشهای تاکنونی زنان در جهان است. هدف بلافصل خیزش عظیم و توده ای انقلابی زنان و مردان در گام اول سرنگونی رژیم اسلامی است اما به این محدود نخواهد شد. طوفان سیاسی قدرتمندی که راه افتاده است، ظرفیت اینرا دارد که کل بنیادهای ارتجاع و استبداد، کل ارکانهای ستم و تبعیض و نابرابری را درهم بکوبد.

صورت مسئله اساسی و محوری این جدال قدرت سیاسی و تعیین نظام آتی است. برخلاف دوره های پیشین اینبار طبقات و جنبشهای طبقاتی با راه حلهای متمایز طبقاتی بجلو صحنه آمدند. دو افق، دو آینده، دو جنبش؛ جنبش راست و بورژوائی پرو غرب و جنبش طبقه کارگر و کمونیسم، نیروهای اصلی این نبرد تعیین کننده اند. هر دو جنبش و احزاب سیاسی شان در اقتصاد سیاسی یک نظام سرمایه داری ریشه دارند و هر دو جنبش شانس پیروزی دارند. جدال برسر اعاده وضع موجود و بازسازی سرمایه داری، و نفی نظام مبتنی بر استبداد و استثمار و زن ستیزی است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست یک نیروی معرفه جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، حزب انقلاب کارگری، حزبی ضد اسلامی، حزب نماینده آمال و آرزوهای دهها میلیون

## تزهائی در باره تحول انقلابی در ایران

### و خط مشی سیاسی و تاکتیکی حزب کمونست کارگری - حکمتیست ...

اما در داخل کشور رقم میخورد. نه تولید بمب هسته ای و نه وارد شدن به هر ائتلاف سیاسی و اقتصادی کمکی به رفع بحران رژیم و تغییر رابطه بشدت آنتاگونیزه مردم و حکومت نمیکند.

۶- عناصر حکومتی و مفسران بورژوا دیروز از "خطر" انقلاب سخن میگفتند و امروز تلاش دارند حرکت انقلابی را مسخ کنند. بورژوازی کابوس عروج پرولتاریا و کمونیسم را دارد. لذا برای ممانعت از پیامدهای اجتماعی بحران سیاسی و اقتصادی و عروج جنبش سوسیالیستی کارگران، تلاش میکنند حدالامکان بدون دخالت مردم، ملزومات دست بدست کردن قدرت و یک دولت انتقالی را از درون صفوف طبقه بورژوازی فراهم کنند. در عین حال گسترش مبارزه توده های طبقه کارگر علیه بیحقوقی و فساد سیستماتیک حکومتی، به گسترش انتقاد سوسیالیستی علیه وضع موجود کمک شایانی کرده است. اگر هر تازه ژورنالیست و تازه اقتصاددانی علیه سوسیالیسم و کمونیسم منبر میرود، این چیزی جز انعکاس وارونه پتانسیل جنبش اعتراض سوسیالیستی طبقه کارگر و اهداف از ادیبخش کارگری نیست.

۷- حزب کمونست کارگری- حکمتیست نماینده رادیکال ترین انتقاد سوسیالیستی و مارکسی به وضع موجود و جزئی لاینفک از این نبردهاست. برای حزب کمونست کارگری- حکمتیست و کمونیسم در ایران، ایندوره تعیین کننده و سرنوشت ساز است. شرط پیروزی اینست که جنبش طبقه کارگر سازمانیافته با پرچم سوسیالیستی در این کشمکش حضور یابد و تصویر روشنی از معنای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی داشته باشد. برای هر تغییر انقلابی باید بدو از قدرت حاکم خلع ید کرد و قدرت سیاسی را بکف آورد. نبرد اساسی تازه بعد از سرنگونی برای تعیین تکلیف آینده آغاز میشود. کنگره دهم حزب به جامعه و طبقه کارگر متعهد میشود که این فرصت را از دست ندهد و با تمام قوا برای بسیج و سازماندهی نیروی پیروزی کمونیسم و انقلاب کارگری در ایران تلاش میکند.

#### خط مشی سیاسی و تاکتیکی حزب در دوره کنونی

در این راستا خط مشی سیاسی و تاکتیکی ما در ایندوران پرتحول مبتنی است بر:

الف- تامین استقلال سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر و اردوی سوسیالیست ها از جنبش ها و صفوف بورژوازی.

ب- جدال بیوقفه برسر افق و هژمونی انقلابی و سوسیالیستی در تحولات جاری بمثابة یک رکن قدرتگیری کمونیسم.

است. وجود یک حکومت اسلامی و تحمیل آپارتاید جنسی، ستمکشی زن و تقابل بیوقفه حکومت با زنان، مسئله زن را به یکی از محوری ترین جبهه های نبرد سیاسی بدل کرده است. تقابل صریح و رادیکال زنان با حجاب اسلامی و تبعیض براساس جنسیت از موضع برابری طلبی، جنبش آزادی زن را به یک رکن مبارزه سوسیالیستی بدل کرده است. ما بدرست تاکید کرده ایم که هر تحول سیاسی و انقلابی در ایران رنگی زنانه دارد و به این معنا انقلاب آتی ایران، "انقلابی زنانه" است. مبارزات پرشور و گسترده علیه قتل حکومتی مهسا امینی با پیشتازی زنان همین واقعیت را تاکید میکند. واضح است، مسئله آزادی و رهائی کامل زن به پیروزی بر نظام مملو از تبعیض و استثمار سرمایه گره خورده است. ایران از نادر کشورهای جهان است که یک جنبش سرزنده کارگری علیه فقر و فلاکت و یک جنبش توفنده و رادیکال زنان برای استیفای برابری زن و مرد دارد. جنبش طبقه کارگر و جنبش آزادی زن، دو رکن اساسی و رادیکال سرنگونی جمهوری اسلامی است.

۴- سرنگونی جمهوری اسلامی محتوم است. نیروی اصلی سرنگونی نسل جدید، زنان آزادیخواه، دهها میلیون مردمی هستند که به فقر و فلاکت و تبعیض و سرکوب محکوم شدند. لذا اعتصابات کارگری سیر روبه رشد و کیفیت جدیدی به تناسب اوضاع انقلابی خواهند یافت و خیزشهای توده ای رادیکال زحمتکشان شهری علیه فقر و فلاکت دامنه گسترده تری خواهند یافت. هر اقدام حکومت برای تشدید فقر و سرکوب، مانند شمشیر دولبه عمل میکند و دامنه تعرض انقلابی و توده ای به حکومت را بمراتب گسترش میدهد. حکومت اسلامی در متن تشدید بحرانهای حاد و فساد بی حد و حصر، بیش از هر زمان نامشروع تر، بی افق تر و ناتوان از تامین حداقل نیازهای پایه ای شهروندان است.

۵- مسئله بقای نظام و سرکوب اعتراضات روبه رشد جاری محوری ترین سوال حکومت اسلامی است. جمهوری اسلامی با بازی در شکاف و رقابت قدرتهای جهانی و منطقه ای و اتکا به تروریسم، تلاش دارد تضمین بقای حکومت را بگیرد. در اوضاع جهانی امروز، بازیگران صحنه سیاست ایران محدود به کارگران و توده مردم با رژیم اسلامی نیست. در دنیای امروز هر نیروی سیاسی راست سرنوشت خود را به جنگ و رقابت یکی از قدرتهای سرمایه داری گره زده و جمهوری اسلامی نیز در مذاکرات با دول غربی و نزدیکی با دولتهای سرمایه داری چین و روسیه، همین سیاست را دنبال میکند. سرنوشت حکومت

## تزهائی در باره تحول انقلابی در ایران

### و خط مشی سیاسی و تاکتیکی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ...

یک طبقه آزاد شود و برای آزادی بعنوان یک طبقه لازم است کل جامعه را از قید بردگی مُزدی و مالکیت خصوصی و استثمار اقتصادی آزاد کند. این امر تنها با کمونیسم ممکن است. هیچ زمان مانند امروز کمونیسم به نیاز طبقه کارگر و مردم محروم جهان تبدیل نشده است.

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست نماینده پرشور این کمونیسم است. کنگره دهم حزب، رهبران کمونیست طبقه کارگر و کارگران مبارز، زنان جسور و انقلابی و سوسیالیست ها را به اتحاد و تشکل تحت پرچم کمونیستی حزب فرامیخواند. دنیای امروز در متن جنگ و رقابت امپریالیستی و رکود اقتصادی نیازمند صیقلی شدن ضد کاپیتالیستی و سوسیالیستی طبقه کارگر و انقلاب علیه کلیت حاکمیت سرمایه است. ایران بنا به شرایط و مشخصات سیاسی اش، مناسب ترین کاندید برای این پیروزی است. پیروزی کارگر و کمونیسم در ایران کمونیسم را در جهان احیا میکند.

پیشنهاد دهندگان: سیاوش دانشور، عبه دارابی، همایون گدازگر، سعید یگانه

سپتامبر ۲۰۲۲

## زنده باد شوراها!

**ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای**

**را همه جا برپا کنید! در کارخانه ها و**

**محلات شوراها را برپا کنید!**

**امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و**

**فردا ارگان حاکمیت!**

پ- ظاهر شدن بمثابة قدرت آلترناتیو. نه قاطع به هر راه حل بورژوائی، برای حاکمیت کارگران و شوراها.

ت- مبارزه آگاهانه برای تغییر مُستمر مُعادله تناسیب قوا، عقب راندن دستگاه سرکوب و کشمکش برسر قدرت سیاسی.

ث- استقرار قدرت حزبی و کارگری به هر میزان و هر جا که ممکن است؛ در کارخانه ها و مراکز کار، در شهرها و محلات و محیط زندگی، با اتکا به شوراها، بریگادهای کارگری، نیروی نظامی و توده ای.

ج- در هم شکستن نقطه سازشهایی که جنبشهای بورژوائی در سیر مبارزه مردم طرح میکنند. علیه بند و بست نیروهای راست از بالای سر مردم.

چ- جنگ بی‌امان با ناسیونالیسم و ملی گرایی، با پوپولیسم و اپورتونیسم، افشا و انزوی سیاست ارتجاعی "همه باهم" و "آشتی طبقاتی".

ح- علیه خاکریزهای بورژوازی در دوران گذار انقلابی مانند "مجلس موسسان" و "مجلس ملی".

خ- سیاست سرنگونی هر دولت بورژوائی تا در هم کوبیدن کامل ماشین دولتی و ارکان قدرت بورژوازی.

د- کمک به سازماندهی و عروج یک جنبش قدرتمند شورائی، گسترش مجمع عمومی و ارتقای آن به یک جنبش مجمع عمومی بمثابة رکن اساسی شوراها کارگری. کمک به تشکیل شوراها مردمی بمثابة ارگان حاکمیت مستقیم مردم.

ذ- کمک به ایجاد سازمانهای مُستقل توده ای زنان، سازمانهای توده ای مردم زحمتکش در محلات و مراکز آموزشی.

ر- بسیج نیروی کمونیسم ایران و انقلابیون و سازماندهی قیام برای سرنگونی با یک پرچم کارگری و چپ.

ز- تسلیح عمومی کارگران و مردم زحمتکش برای دفاع از دستاوردهای قیام.

ژ- تلاش برای شکل دادن به دولت برآمده از قیام بمثابة دولت قیام کنندگان، استفاده از ابزار دولت برای بسط مبارزه طبقاتی و بسیج طبقه کارگر برای تداوم انقلاب و سازماندهی انقلاب کارگری.

...

ایران در یکی از حساس ترین دوره های تاریخ یک قرن گذشته قرار دارد. از میان آکتورهای سیاسی، طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی اش یگانه نیروی اجتماعی برای خاتمه دادن به اوضاع مشقت بار کنونی است. ما و طبقه کارگر، ما و زنان و مردان آزادیخواه، در ایفای تبعیض و استبداد و استثمار ذینفع نیستیم بلکه تنها نیروی نفی این اوضاعیم. اما طبقه کارگر بدون در هم کوبیدن کل نهادها و قدرت بورژوازی نمیتواند بمثابة



## تزه‌های کنگره دهم حزب حکمتیست در باره

### جنگ در اوکراین، بربریت کاپیتالیسم و مصافهای کمونیسیم امروز

۴- شروع جنگ در اوکراین پاسخی به معادلات از قبل در حال تغییر جهان معاصر است، و تاکنون صف آرای و رقابت و تنش قدرتهای امپریالیستی را به نقطه خطرناکی سوق داده است. با توجیه ایدئولوژیکی و بی پایه "منافع و مصالح ملی" رقابت فزاینده و خطرناک قدرتهای بزرگ سرمایه داری اساساً برسراقتصاد و کسب سودورزی نجومی و سیری ناپذیر حل و فصل میشود. هر کدام به منظور دست بالا پیدا کردن در حوزه اقتصاد و سهم بری بیشتر از اقتصاد جهانی و در واقع تصرف بیشتر ارزش اضافه حاصل کار طبقه کارگرتلاش میکنند. این رقابت اقتصادی استثمارگرانه به عرصه تجاری و سیاسی و دیپلماتیک و معاملات بند و بست و کشمکشها و جنگهای خطرناک سوق پیدا میکند. بر این اساس برای روسیه و متحدانش به مصاف طلبیدن نظم جهانی مورد نظر آمریکا و تعیین تکلیف مسائل ژئوپولیتیک و امنیتی موضوعیت جدی دارد.

۵- در آغاز دهه آخر قرن بیستم، نظم تک قطبی ادعایی آمریکا و طرح "نظم نوین جهانی" به منظور تحمیل و تثبیت هژمونی اقتصادی و سیاسی و نظامی آمریکا بعد از فروپاشی بلوک شرق برای مدت کوتاهی بر جهان تحمیل و اما تثبیت نشد. افول موقعیت اقتصادی و سیاسی آمریکا در دو دهه اخیر و سپس شکست استراتژی برتری طلبی نظامی آمریکا که با عقب نشینی از افغانستان و عراق و خاورمیانه قطعیت پیدا کرد، در عین حال قطبهای کاپیتالیستی بزرگ جهانی درگیر در این کشمکش را در پیمانها و اتحادهای اقتصادی، سیاسی و نظامی جدید و در حال گسترش به میدان آورده است. دنیای سرمایه‌داری بسوی یک تجدید نظر تمام و کمال در آرایش اقتصادی و روبنای سیاسی، اداری و فرهنگی خود پیش میرود. دوره تاریخی جدید نه دوره ثبات و نظم و روشنی، بلکه دوره بی‌ثباتی، اغتشاش و ابهام است.

۶- آمریکا، چین، روسیه، اروپای واحد، ژاپن، هند و بعضی از دولتهای بورژوازی و هم پیمانان آنان در سطح جهانی و منطقه ای و محلی هر کدام یک طرف این جدالند و در پیشبرد سناریوی بی ثباتی و اغتشاش علیه بشریت شرکت دارند. حکومت بورژوا امپریالیستی چین اساساً متکی به کارازان طبقه کارگر قطب در حال صعود اقتصادی قرن بیست و یکم است که پا به صحنه این رقابت بویژه در عرصه اقتصادی گذاشته و چشم انداز و ادعای تبدیل شدن به قدرت اقتصادی اول دنیا را دارد. کشمکش و تقابل دولتهای آمریکا و چین محور تقابل قدرتهای کاپیتالیستی این دوران و آینده جهان را ترسیم میکند. روسیه تحت هدایت پوتین ناتوان از رقابت اقتصادی موثر در سطح جهانی و متکی به قدرت نظامی، از جمله با وارد شدن در جنگ اوکراین سهم بیشتری را در باز تعریف معادلات جهانی می‌خواهد. سهم خواهی ائتلاف روسیه و چین در مقابل امپریالیسم آمریکا و موثلفین اروپایی اش و کانادا، ژاپن و استرالیا جهان را در مسیر جنگهای امپریالیستی

۱- جهان دستخوش تحولات شگرف و بزرگی است. نظم کاپیتالیستی سراپا تبعیض و استثمار و جنگ و ناامنی و رقابت دوره گذار خطرناکی را طی میکند. بازتعریف چهارچوبهای اساسی نظم جهانی کنونی شکل گیری ائتلافهای گوناگون اقتصادی، سیاسی توسط بلوک های قدرتمند مانند بریکس، پیمان شانگهای، جنگ در اوکراین و کشمکش قدرتهای کاپیتالیستی آمریکا و چین بر سر مناقشه تایوان و خطر جنگی بزرگ، میلیاردها انسان روی کره زمین را در نگرانی عمیق فروبرده است.

۲- ایدئولوگها و مفسران مصلحت گراوخام اندیش بورژوازی تغییر سیمای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جهان و تحولات بزرگ و خطرناک در حال جریان را محصول جنگ در اوکراین معرفی میکنند، قضیه بر عکس است، خود این جنگ و پیامدهای آن محصول تغییر معادلات قدرتهای بزرگ جهانی سرمایه داری بعد از فروپاشی بلوک شرق است. در عین حال این جنگ و کشمکش قدرتهای بزرگ سرمایه داری همانند همه موارد مشابه در تاریخ همواره در خدمت به حاشیه راندن جنگ پایه ای و اجتناب ناپذیر طبقاتی گاه نهان و اکنون عمدتاً آشکاربه وسعت دنیا است. بورژوازی جهانی می‌خواهد جهان چند قطبی کاپیتالیستی سیال و بی ثبات را به بشریت تحمیل کند، تا جهان دو قطبی ریشه دار، چهره دو قطب طبقاتی متمایز و متقابل بورژوازی و پرولتاریا و متحدانشان در اقصی نقاط دنیا را به حاشیه براند. به حکم شرایط عینی پایدارجدال طبقاتی و اجتماعی جاری در اینکار موفق نخواهد شد.

۳- وقتی که در عصر فراوانی و پیشرفت سرسام آورصنعت و تکنولوژی و جهانی شدن سرمایه، دو قطبی حاد فقر و ثروت، گسترده تر و عمیق تر میشود، وقتی که تحمیل دایمی فقر میلیاردری از سوی و تراکم سرمایه و ثروت اجتماعی در دست اقلیت معدود سرمایه داران متکی به دولت و کل ابزارهای سرکوب و سلب اراده از مردم از سوی دیگر، زندگی میلیاردها شهروند کره زمین را مداوماً به سمت نابودی میکشاند، تشدید جدال طبقاتی و سیاسی اجتناب ناپذیر است. از منظر طبقه کارگر و مردم تحت ستم، از منظر کمونیسیم کارگری عرصه اصلی جنگ و نبرد طبقاتی و سیاسی علیه بورژوازی و دولتها و قدرتهای بزرگ کاپیتالیستی همین جا است. ما کمونیستها در این جدال حضور داریم و خط مشی سیاسی، پراتیکی مان را از اینجا استنتاج میکنیم. تعیین تکلیف قطعی با بورژوازی کار طبقه کارگر در سطح بین المللی و درهر کشوراست. این رسالت، اکنون عاجلتر از هر دوره ای برجسته شده است. نظم استثمار و کارمزدی، نظم جنگ و تروریسم و ناامنی سرمایه را باید ساقط کرد.

## تزه‌های کنگره دهم حزب حکمتیست در باره

### جنگ در اوکراین، بربریت کاپیتالیسم و مصافهای کمونیسیم امروز ...

سرمایه و امکانات و پول و ابزار و آلات جنگی مورد نیاز قدرتها و دولتهای جنگ طلب و فاجعه بارتر از آنها تامین نیروی انسانی لشکرهای جنگی را عمدتاً طبقه کارگرتامین میکند. این محصول دردناک و ارونکی نظم موجود و طبقه کارگر به اسارت درآمده توسط ایدئولوژی و سیاست و کارکرد گرایشات بورژوایی و در رأس آنها افق و سیاست ناسیونالیستی زیر لوای "ملت و هویت ملی و منافع ملی" است. تا زمانی که طبقه کارگر در روسیه و اوکراین و هر جای جهان خود را از زیر بار ایدئولوژیها و سیاستهای خرافی و به ویژه ملی گرایی و ناسیونالیسم رها نکند، طبقه کارگر به سیاهی لشکر جنگ قدرتها و دولتهای کاپیتالیستی و ضد کارگر تبدیل میشوند. طبقه کارگر تنها با اتکا به سیاست سوسیالیستی، با نقد و دور انداختن طوق ملی گرایی و هویت ملی و طرد لشکر نظامی بورژوازی خودی و پافشاری بر هویت انسانی میتواند، خود را از زیر بار جنگ فاجعه بار سرمایه داران رها کند.

۱۰- فراتر از معضل جنگ در اوکراین، خطر وقوع جنگهای امپریالیستی بیشتر در جهان وجود دارد. تداوم رقابت شدید غولهای اقتصادی دنیا، انعکاس بلاواسطه آن در کشمکش سیاسی و تجاری و دیپلماتیک و بن بستهای موجود، که مناقشه موجود بر سر تایوان یک نمونه برجسته آنست، مضافاً وجود کانونهای بحرانی انباشته از معضلات قدیم و جدید به ویژه در خاورمیانه، خطر جنگ جهانی را به جلو صحنه رانده است. سودورزی سیری ناپذیر سرمایه امپریالیستی و رقابت فزاینده بر سر آن، چنین کارکرد ویرانگری را در مقابل بشریت قرار داده است. تنها نیروی سد کننده چنین کابوسی طبقه کارگر آگاه و بشریت مترقی رها یافته از افق و سیاست و مفروضات بورژوایی و متکی به راه حل آزادیخواهانه و سوسیالیستی است، که مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و رقابت ویرانگر بر سر انباشت سرمایه به دست اقلیت استثمارگر سرمایه دار و قدرتها و دولتهای سرمایه داری را از دست آنها بگیرد.

۱۱- استثمارگری خشن سرمایه داری جهانی و معاصرنشی برای اندک مانورهای جناح چپ ناسیونال رفرمیسم بورژوایی، آنچه تاریخاً زیر نام "سوسیال دمکراسی و سوسیالیسم بورژوایی" شناخته شده بود، باقی نگذاشته است. در چهار دهه اخیر در همه کشورهای سرمایه داری تفوق افق و سیاست و کارکرد جناح دست راستی بورژوازی و سترونی جناح چپ بورژوازی را شاهدیم. این روند با عروج ریگانیسم و تاجریسم و دست بالا پیدا کردن اقتصاد بازار آزاد و تعرض وسیع و شنیع به معیشت و سلامت و بهداشت طبقه کارگر و همه دستاوردهای این طبقه در سطح جهانی و کشوری و محلی رقم خورد. هم اکنون راست ترین سیاستهای اقتصادی و اجتماعی بورژوازی حتی آنجا که ظاهراً بازمانده های سوسیال دمکراسی و احزاب شبهه سوسیالیست میانه در قدرت هستند، بر شرایط زندگی و کار طبقه کارگر و مردم محروم حاکم است. نه فقط در کشورهای استبداد زده و متکی به

بیشتر سوق میدهد.

۷- رقابتهای مخرب قدرتهای جهانی برای سهم بری و کسب هژمونی در جهان چند قطبی که امکان تبدیل شدن به نظم باثبات جهانی را نخواهد داشت، همانند اثرات مصیبت بار جهان دو قطبی و سپس تک قطبی سپری شده، از خلال جنگ ها و مانورهای مشترک نظامی و بند و بست های آنان با دولتهای ارتجاعی هم پیمان خود در مناطق مختلف و تهدید به بکارگیری احتمالی بمب هسته ای، مانند شمشیر داموکلس روی سر مردم جهان قرار داده اند، که بر خلاف تبلیغات دروغین ایدئولوژیهای بورژوایی نه تنها دنیا را به طرف "صلح و ثبات" نمیرد، بلکه گسترش ناامنی، میلیتاریسم و جنگ، تروریسم دولتی و غیر دولتی، فقر و تبعیض و گسترش جاهلانانه ترین افکار و سیاستهای افراطی همچون راسیسم و فاشیسم و نژاد پرستی و خرافه های ملی و مذهبی را به همراه دارد.

۸- جنگ در اوکراین یک حلقه انفجاری از کشمکش و تقابل ادامه دار قدرتهای بزرگ کاپیتالیستی است. جغرافیای اوکراین صحنه مستقیم وقوع جنگ است، اما در دو سوی این تراژدی همه قدرتهای بزرگ امپریالیستی به نحوی از انحاء صف آرای کرده اند. از یک سو هیئت حاکمه روسیه با هدف احیای قدرت جهانی از دست رفته به دنبال فروپاشی شوروی و در سوی مقابل هیئت حاکمه آمریکا و ناتو به بهانه حمایت از دولت دست راستی پروغرب اوکراین، به منظور احیای سرکردگی جهانی از دست رفته صف آرای کرده اند. پشت صحنه صف بندی دولتها و ارتشهای آنها ما شاهد عرض اندام جنبشهای بورژوایی و ناسیونالیستی ضد کارگر و ضد آزادیخواهی هستیم. ناسیونالیسم عظمت طلب روسیه ناراضی از موقعیت جهانی کنونی خود، کل هیئت حاکمه روسیه و پوتین را به جلو صحنه جنگ در اوکراین رانده است. در جبهه مقابل ائتلاف جنبش دست راستی بورژوا پروغربی و بخشا فاشیستی در اوکراین مدافع ادغام در اتحادیه اروپا و پیوستن به ناتو و به علاوه عظمت طلبی جهانی امپریالیسم آمریکا و متحدان غربی متکی به افسار گسیختگی اقتصاد بازار صف آرای کرده اند. این جنگ به وضوح پیامدهای فاجعه بار و مهیبی را علیه کارگران و مردم در روسیه و اوکراین و سراسر جهان ببار آورده است. این جنگ از هر دو سو ارتجاعی و ضد کارگری و علیه بشریت است و توقف فوری آن خواست عمیق و گسترده توده کارگر و مردم و بشریت مترقی است.

۹- طبقه کارگر در روسیه و اوکراین نقطه مقابل منافع خود، بدون اینکه هیچ نقشی در راه اندازی و یا توقف آن داشته باشند، درگیر این جنگ اند. این جنگ و همه جنگهای امپریالیستی و ارتجاعی بر دوش طبقه کارگر سازماندهی شده است. تولید

## تزه‌های کنگره دهم حزب حکمتیست در باره

### جنگ در اوکراین، بربریت کاپیتالیسم و مصافهای کمونیسیم امروز ...

وبالا آمدن سطح دریاها نیز به فاجعه مهاجرت دامن زده است. ج- مهاجرت و آوارگی میلیونی هر ساله حاصل فقر و گرسنگی و جنگ و ناامنی روزمره مستقیماً توسط نظم سرمایه داری حاکم به بشریت تحمیل شده است. پدیده دردناکی که سالانه زندگی و جان هزاران انسان را در جهان به کام خود فرو میبرد. دیوارکشی و بستن مرزها توسط قدرتها و دولتهای بزرگ کاپیتالیستی مسبب این اوضاع بر روی مهاجران از آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین و جنوبی بر ابعاد تکان دهنده این فاجعه انسانی افزوده است

#### ۱۴- دو راهی بربریت یا سوسیالیسم: مصافهای کمونیسیم امروز

سرمایه داری جهانی با گسترش خود به اقصی نقاط دنیا، فقرشدید و انبوه، تبعیض و نابرابری، تروریسم و جنگ و ناامنی و استثمار انسان به دست انسان را به اوج تباهی رسانده است. برابری دنیا بر دوراهی سوسیالیسم و یا بربریت قرار گرفته است. ورق را باید برگرداند. این دستور کار کمونیسیم مارکسی و کمونیسیم کارگری معاصر برای تعیین تکلیف با بورژوازی در هر کشور و در سطح بین المللی است. مصافهای کمونیسیم امروز از اینجا استنتاج میشود. بر این اساس:

الف: بیش از پیش دوره سازماندهی و احیای تعرض کمونیستی کارگری ماکسیمالیست به کل پایه ها و بنیادها و ایدئولوژی و افکار و ساختارها و دولتهای سرمایه داری است. برخلاف تمامی تفکدهای نیم بند چپ نقد و تعرض کمونیستی نمیتواند و نباید به خصلتهای روبنایی و مقطعی و تاکتیکی نظم سرمایه محدود شود. نقد و تعرض کمونیستی ما دست به ریشه میبرد، لغو کار مزدی و امحای استثمار و خلع ید سیاسی و اقتصادی کامل سرمایه را در دستور کار دارد.

ب- گردآوری نیروی طبقه کارگر خودآگاه، متحد و سازمانیافته به منظور سازماندهی انقلاب کارگری و تحقق آزادی و برابری و حکومت کارگری مصاف فوری کمونیستها و یگانه راه رهایی بشریت از فجاجع نظم سرمایه است.

ج- نبرد بی امان علیه ملی گرایی و هویت ملی و ناسیونالیسم که در این دوران یک بار دیگر زیر لوای "منافع و مصلحت ملی" نه تنها جنگهای ویرانگر راه اندازی میشود، بلکه شنیع ترین نوع تعصبات و تعرض به حقوق اولیه انسان توجیه میشود. یک شرط اساسی رهایی طبقه کارگر و بشریت از انقیاد کاپیتالیسم به حاشیه راندن "طوق هویت ملی و ملی گرایی دست ساز ناسیونالیسم" و برملا کردن محتوای طبقاتی خرافه "منافع ملی" به مثابه منافع طبقه حاکمه بورژوازی که ریاکارانه در زوررق "منافع عموم" به جامعه تحمیل میکنند.

کار ارزان، بلکه در آمریکا و اروپای صنعتی و پیشرفته، نیز به عمیق تر شدن هرچه بیشتر شکاف و فاصله طبقاتی مابین فقر و ثروت و بر بستر آن دامن زدن به فاصله عمیق طبقاتی، شکل دادن به شکافهای ملی، مذهبی، نژادی، جنسیتی و تقویت راسیسم و فاشیسم و مذهب منجر شده است.

۱۲- بر این بستر و در نتیجه عقبگردهای تحمیلی بورژوازی، رشد راست افراطی و خطر فاشیسم بیش از پیش زمینه پیدا کرده است. این ترند در کشورهای غرب عموماً بعنوان "سوپاپ اطمینان" راست در قدرت عمل میکند. مردم را مجبور میکنند از ترس راست افراطی به انتخاب راست غیر افراطی رأی بدهند. عروج راست افراطی و فاشیسم قبل از هر جا در آمریکا و اروپا به عنوان کشورها و قدرتهای پیشرفته صنعتی متکی به "دمکراسی پارلمانی" و تاثیرگذار بر جهان معاصر، محصول سیاستهای بورژوازی است. تاثیرات این پدیده را در چهار دهه اخیر در گرایش به قدرت گیری بیش از پیش سیاستهای راست ترین جناحهای بورژوازی در پروسه های ظاهراً "مقبولیت" یافته پارلمانی و "انتخاباتی" در کشورهای غربی، شاهدیم. دمکراسی از مجرای "انتخابات"، فاشیستها را بقدرت میرساند. هیتلر هم با انتخابات سرکار آمد.

۱۳- فجاجع انسانی انبوه که سالانه میلیونها انسان را به کام مرگ میکشد، مستقیماً زاده کارکرد سرمایه داری و نظم متکی به استثمار انسان به دست انسان است. فقرمطلق و گرسنگی به نحوی که طبق همین آمارهای سازمان ملل شان سالانه فقط دو میلیون کودک از گرسنگی و تامین نان خشک جان میسپارند. به علاوه در زمینه های مورد اشاره زیر، بشریت با تباهی و نابودی روبرو است.

الف: سلامت و بهداشت: سودپرستی سرمایه در عرصه سلامت و بهداشت و پزشکی و ترجیح آن بر حیات انسان از حقایق تلخ نظم وارونه کنونی و یک تهدید علیه حقوق بدیهی و زندگی بشر امروز است. این واقعه تلخ را در جریان شیوع ویروس کرونا و ناآمدگی و ناتوانی دولتهای بزرگ و کوچک سرمایه داری، برای مقابله با ویروس کووید- ۱۹ دنیا تجربه کرد.

ب- محیط زیست: معضل زیست محیطی، و اثرات مخربی که بر همه وجوه حیات در کره زمین گذاشته حاصل کارکرد سرمایه در خدمت کسب سود است. تا این کارکرد هست، تخریب محیط زیست هم ادامه خواهد یافت. یکی از عوارض مخرب جنگ در اوکراین بایگانی شدن آن اندک تعهداتی بود که قدرتهای سرمایه داری در کنفرانس پاریس و نشست Cop26 در اسکاتلند به آن متعهد شده بودند. حفظ محیط زیست سالم هم در گرو تعیین تکلیف قطعی با عملکرد نظم وارونه سرمایه است. تغییرات زیست محیطی حاصل کارکرد سرمایه و افزایش گازهای گلخانه ای



## ترہای کنگرہ دہم حزب حکمتیست در بارہ

### جنگ در اوکراین، بربریت کاپیتالیسٹ و مصافہای کمونیسٹ امروز ...

نمیکنیم. فقر و تبعیض غیر قابل تحمل بر جهان را نمیپذیریم. به مثابه کمونیسٹ طبقہ کارگر قصد نداریم به دور جدید میلیتاریسم و تروریسم و جنگ و رقابت طبقہای بورژوازی کہ جهان را با مخاطرات جدی ای روبر کرده اند، تن دہیم. ما به راسیسم و قومپرستی و مذهب گردن نمیگذاریم. ما در خاورمیانه قصد نداریم اسلام سیاسی و حکومتہای اسلامی را تحمل کنیم، ما سیاست ساقط کردن حاکمیت بورژوازی و سرنگونی حکومتہای اسلامی و مستبد و پلیسی و مستقیما سرنگونی جمهوری اسلامی را داریم. ما بر سازماندہی فوری انقلاب کارگری و بنیاد گذاشتن حکومت کارگری در ایران پای می فشاریم. ما عروج نسلی جدید از احزاب کمونیسٹی کارگری و انقلابی و مارکسیست را از نیازہای حیاتی این دورہ مهم تاریخ بشر میدانیم. ما طبقہ کارگر و مردم آزاداندیش جهان را به سوسیالیسم بعنوان تنها راه نجات بشریت فرامیخوانیم.

پیشنہاد دہندگان: رحمان حسین زادہ – جمال کمانگر

دوم اکتبر ۲۰۲۲



د- پیشبرد سیاست کارگری و کمونیسٹی علیہ جنگہای ضد کارگری و ضد مردمی مستقیم و یا نیابتی جاری قدرتہای امپریالیستی و دولتہای سرمایہ داری، پافشاری بر این واقعیت کہ طبقہ کارگر بہ نیروی ذخیرہ جنگ بورژوازی نباید تبدیل شود.

۱۵- جنبش اعتراضی ضد سرمایہ طبقہ کارگر در جهان و بہ ویژه در کشورہای مهم کاپیتالیسٹی قدرتمند است. برمتن بحران اقتصادی جهانی سال ۲۰۰۸ و در سہ سالہ بعد از آن بہ یمن اعتراضات کارگری در فرانسه و کشورہای دیگر بہ کاهش دستمزدا و بیکارسازیها و افزایش سن بازنشستگی، مقابله باتشدید فشار بر بخش شاغل طبقہ کارگر و تحمیل سیاست "ریاضت کشی اقتصادی" از طرف دول بورژوازی، شکل گیری موجی از اعتراضات علیہ فقر، تبعیض و نابرابری را در آمریکا و کشورہای اروپایی و آمریکای لاتین بودیم. فاجعہ کرونا و تبعات آن وقفہ ای در روند روبہ گسترش اعتراضات کارگری و تودہ ای علیہ وضع موجود ایجاد کرد، اما بار دیگر در ہمین یکسال اخیر در کشورہای مهم اروپایی از جملہ انگلستان و آلمان و فرانسه و ... شاهد موج جدید اعتصابات و اعتراضات کارگری هستیم. مسالہ مهم اینست، در اکثر کشورہا و در ہمین دو دہہ این جدالہای اجتماعی و اعتراضی با محوریت طبقہ کارگر و مردم محروم علیہ سرمایہ داری بہ عنوان منشأ فقر و تبعیض و نابرابری است. اما این جایگاہ اجتماعی – مبارزاتی قوی طبقہ کارگر متأسفانہ با حضور نمایندگان و پرچمداران کمونیسٹ کارگری، جنبش و حزب کمونیسٹی این طبقہ، در صحنہ سیاسی خوانائی ندارد. این خلاء موجود در رہبری طبقہ کارگر بر اعتراضات و تحولات سیاسی اکنون و آتی در کشورہای سرمایہ داری است. پرکردن این خلاء از کانال ایجاد احزاب کمونیسٹی کارگری یکی از مصافہای تعیین کنندہ جنبش کمونیسٹ کارگری است. این امر کمونیسٹہایی است کہ چشم بہ قدرت گیری کارگری و تحقق انقلاب کارگری و ایجاد جامعہ نوین کمونیسٹی دوختہ اند.

۱۶- جامعہ ایران در آستانہ تحول انقلابی سرنوشت سازی است. ما بر نقش تاریخساز طبقہ کارگر و جنبش کمونیسٹی- کارگری و جنبش آزادی زن در شکل دادن بہ آیندہ ایران و فرصت کم نظیری کہ برای ایفای نقش کارگر و کمونیسٹ بعنوان رہبر یک جنبش عظیم تودہ ای برای آزادی و برابری و رہایی انسان فراهم شدہ واقفیم. تحول انقلابی جاری با حضور جسورانہ زنان آزادیخواہ در دوہفتہ اخیر در خیابانہا و حجاب سوزان آنها در اعتراض بہ قتل مہسا امینی اثرات جهانی و منطقہ ای مهمی را بدنبال داشتہ است. سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی فضای مساعدی برای تقویت و عروج آلترناتیو کمونیسٹی در دیگر کشورہای جهان فراهم میکند.

۱۷- ما اعلام میکنیم بیش از این بربریت کاپیتالیسٹ را تحمل

## سند پیشنهادی به کنگره دهم حزب

## اولویت های فوری حزب در کردستان

مبارزه علیه جمهوری اسلامی، جبهه راست و ناسیونالیست با آن بیگانه و حتی مخالف آن بوده اند. این جنبش هم اکنون و در خیزش اخیر در کردستان، ستون اصلی رویارویی علیه رژیم جمهوری اسلامی است.

برای جوابگویی به این اوضاع اقدامات زیر را بعنوان اقدامات فوری باید در دستور کمیته کردستان حزب حکمتیست قرار گیرد:

۱ - نمایندگی کردن پلاتفرم "نه" مردم به کلیت جمهوری اسلامی.

۲ - تامین رهبری جنبش اعتراضی و انقلابی.

۳ - سازماندهی تشکل های توده‌ای، دامن زدن به جنبش مجمع عمومی و شورایی.

۴ - کنترل محلات: خارج کردن نقشه مند محلات مختلف در شهرها از دایره اعمال قوانین و کنترل جمهوری اسلامی.

۵ - گارد آزادی: احیا و گسترش ظرفیت و پتانسیل گارد آزادی. تشویق و ترغیب جوانان به ایجاد واحدهای گارد آزادی.

۶ - به حاشیه راندن افق و سیاست و موقعیت جنبش و احزاب ناسیونالیستی در کردستان. خنثی کردن نقشه‌ها و طرحها و بند و بستهای سیاسی ضد مردمی احزاب ناسیونالیست.

۷ - کسب آمادگی برای جوابگویی به اوضاع اضطراری.

۸ - ایجاد و سازماندهی مجامع عمومی و شوراها و دیگر سازمانهای توده‌ای رادیکال.

۹ - خنثی کردن توطئه‌ها و بند و بستهای احزاب سیاسی ناسیونالیست کرد.

۱۰ - سازماندهی نیروی مسلح شوراهای مردم، متکی بر آموزش نظامی عمومی.

۱۱ - تلاش برای شکل دادن به قطب نیروهای چپ و کمونیست در کردستان.

پیشنهاد دهندگان: صالح سرداری، همایون گدازگر، اسماعیل ویسی

قیام اخیر جامعه ایران و خودنمایی شهرهای کردستان در آن، یکبار دیگر این ادعای ما در مورد پتانسیل نیروی اجتماعی چپ و خواستهای رادیکال آن در کردستان را به نمایش گذاشت. این گرایش اجتماعی در جامعه کردستان که حاصل ۴ دهه فعالیت و رویارویی در عرصه های گوناگون علیه جمهوری اسلامی است، در شرایط انقلابی حاضر وظایف فوری و خطیری را از ما میطلبد. پایان حاکمیت رژیم اسلامی و خارج شدن زودتر کنترل اوضاع از دست رژیم، مشخصا در کردستان یک احتمال قوی است و ما باید برای جواب دادن به آن آماده باشیم.

سابقه و موقعیت و توانایی نیروی کمونیسم و چپ و آزادیخواه در کردستان، یک پایه مهم قدرت کمونیستها و حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست است و باید، نقش تعیین کننده ای در پیشروی کمونیسم و حزب ما در جدال سیاسی و طبقاتی برای تعیین تکلیف قدرت سیاسی ایفا کند.

جمهوری اسلامی در سرانجام سقوط گرفته است با سرنگونی این رژیم کل بساط اسلام سیاسی در کردستان و منطقه بکلی تضعیف خواهد شد. و این شرایط، ما را به دخالتگری و ایفای نقش تعیین کننده فرامیخواند.

در این مسیر برای جوابگویی به اوضاع کنونی نیروهای راست و چپ الترناتیوهای خود را به پیش می برند.

در کردستان یکی از الترناتیوها، ناسیونالیسم کرد و احزاب هستند که بنا به ماهیت طبقاتی شان همیشه در برابر منافع کارگران و زحمتکشان قرار گرفته و برای سهم شدن در بخشی از قدرت مداوما در بند و بست و سازش با جمهوری اسلامی و خویشاوندی همیشگی با اسلام سیاسی که جزو خصوصیات طبقاتی آنهاست، با مطالبات رادیکال قیام کنونی مردم خوانایی ندارد.

## کمونیست ها در کردستان

جنبش کمونیستی و کارگری در جامعه کردستان يك جنبش زنده، قائم به ذات و اجتماعی است. این جنبش حاصل تحولات اجتماعی - طبقاتی و بخصوص نقش کمونیستها در کردستان است. حضور کمونیست ها و کارگران را میتوان در تمامی اعتراضات و خیزش‌های انقلابی دید. خیزش اخیر جامعه ایران که مردم کردستان نقش چشمگیری در آن داشتند با شعارها، رادیکالیسم و دفاع از حقوق زن مربوط به جبهه چپ و آزادیخواهی در کردستان است و به شهادت حدودا ۴۴ سال

## پیام کنگره دهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به جنبش آزادی زن

## آینده از آن ماست!

## نظام آپارتاید جنسی بقدرت ما در آستانه سرنگونی است!

به آزادی و حقوق زن با تحمیل حجاب اسلامی و اجبار قانونی آن شروع شد. تحمیل حجاب اسلامی و جداسازی زن و مرد در جامعه، نه یک "انتخاب فرهنگی زنان" بلکه با قوه قهریه و اسیدپاشی و پونز کوبیدن به پیشانی زنان توسط لپمپهای جریان اسلامی صورت گرفت. هدف جمهوری اسلامی فقط تحمیل حجاب بمثابه بیرق بردگی زن نبود، بلکه محدودیت همه جانبه زنان در عرصه های اجتماعی و نهایتاً حذف آنان از جامعه هدف غایی معماران طرح حجاب اسلامی بود. تبلیغات و سرمایه گذاری وسیع برای تبیین "مهم ترین وظیفه زنان" برای رفت و روب و همسرداری و ماشین زاد و ولد برای اسلام، انواع طرحهای محدود کننده ابراز وجود اجتماعی زنان، قرار بود زن را بمثابه انسان انکار کند. قوانین آپارتاید جنسی، اشاعه فرهنگ ضد زن و تشویق مردان به "ناموس پرستی" و اعمال خشونت قانونی علیه زنان، قرار بود زنان را به سکوت و ادارد.

ما مبارزه ای خونین با تلفات بیشمار داشته ایم، اما تن ندادیم، تسلیم نشدیم، قدم بقدم عقب شان رانندیم و در شرایطی بسیار نابرابر توانستیم در مراکز آموزشی و بازار کار، در جامعه و در خانواده، در سیاست و در حضور اجتماعی رژیم اسلامی را عقب برانیم. توانستیم قوانین را زیرپا بگذاریم و بتدریج افکار عمومی و مردان برابری طلب زیادی را در صفوف مبارزه علیه ستمکشی زن جلب و بسیج کنیم. زنان در ایران برای کسب حقوق انسانی خود پروسه ای دردناک، تلخ و همزمان بسیار شورانگیز و پرافتخار را پیموده اند. دستاوردهای مبارزه ما بیشمار است. نفس اینکه مسئله زن به یکی از مسائل حاد جامعه ایران بدل شده، حاصل این مبارزه پرشور است. برخلاف اظهارات آغشته به فرهنگ مردسالاری، زنان نه "دوش بدوش مردان" بلکه جلودار اعتراضات توده ای و مبارزات اجتماعی بودند. باوجود قوانین محدود کننده، زنان در مراکز آموزشی و جامعه حضور پر رنگی دارند و یک فاکتور مهم اجتماعی برای تغییر فرهنگ جامعه بودند. علیرغم پیشروی ها اما هنوز بیکاری در میان زنان بیداد میکند، فقر و تبعات اجتماعی آن از زنان بیشتری قربانی را میگیرد، زنان در ازای کار مشابه دستمزد برابر ندارند و با ناامنی اقتصادی و اجتماعی بیشتری دست بگریباندند.

امروز اما در موقعیت ویژه ای هستیم و ورق را برگردانده ایم. امروز شاهد سیاست تعرض قدرتمند زنان به اوباش حکومتی هستیم. امروز آشکارا دستجمعی حجاب برمیذاریم، جشن حجاب سوزان راه انداختیم و با عزم راسخ میگوئیم؛ حجاب

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به شما زنان آزادیخواهی که الگوی جهانیان شده اید درود میفرستد. تعرض انقلابی و شجاعانه شما به دژ ارتجاع در خاورمیانه دنیا را تکان داده است. رژیم زن کش و آزادی کش جمهوری اسلامی با گلوله و توحش ضد زن بمصاف شما آمده است اما شما قلب میلیاردها انسان آزاده را در جهان با خود دارید. ما همواره اعلام کردیم که زنان از گورکنان نظم آپارتاید جنسی اند و شما به دنیا نشان دادید که دیگر حاضر نیستید بیش از این تحمل کنید و با عزمی راسخ و انقلابی برای بگور سپردن رژیم ضد زن اسلامی بمیدان آمده اید. نبرد شورانگیز جاری و پیروزی شما، نه فقط ایران بلکه کل منطقه و جهان را تحت تاثیر عمیق خود قرار میدهد. شما با حجاب سوزان و نفی هر آنچه که ضد زن است، دارید تاریخ نوینی می سازید.

جنبش آزادی زن در ایران یک حرکت عظیم اجتماعی است که درگیر مبارزه ای بیوقفه علیه مهمترین سنگر ارتجاع و اسلام سیاسی است. مسئله زن یکی از محوری ترین مسائل جامعه است که امر برابری و رفع تبعیض هدف عمومی آن و نفی حجاب اسلامی و نظام آپارتاید جنسی هدف بلافصل آنست. برای رفع تبعیض براساس جنسیت و تحقق برابری در تمام شئون زندگی اجتماعی باید علیه نابرابری بنیادی در نظام سرمایه داری جنگید و برای نفی حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی باید جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم. مصاف قدرتمند جاری علیه حجاب و قوانین ضد زن و پیروزی در این نبرد، شرط لازم برای پیشروی و نفی کامل فرودستی زن در جامعه و نظام نابرابر کنونی است. تودهنی قدرتمند زنان به حکومت در سال جاری با شعار "حجاب بی حجاب"، به مصاف طلبیدن آشکار دستگاه سرکوب و پرت کردن و آتش زدن حجاب اسلامی، نبرد جسورانه زنان علیه نیروهای سرکوب و دستجات اسلامی، حکومتی ها را دچار انشقاق و عقب نشینی کرده است. نفس اینکه بخشی از مدافعان دیروز حجاب و آپارتاید امروز مخالف "حجاب اجباری" شدند، بیانگر قدرت جنبشی است که سر سازش با حکومت اسلامی ندارد. سپیده ها که به اعتراف عناصر حکومتی یک ارتش بیست میلیونی را تشکیل میدهند، کابوس هر آخوند و هر مرتجع مردسالار و مایه نگرانی جریاناتی است که فرودستی زن و تبعیض براساس جنسیت پلانفرم آنهاست.

این پیشروی اما ساده بدست نیامده است. ۴۳ سال پیش رژیم اسلامی سرکوب انقلاب را با تعرض به زنان شروع کرد. حمله

## آینده از آن ماست!

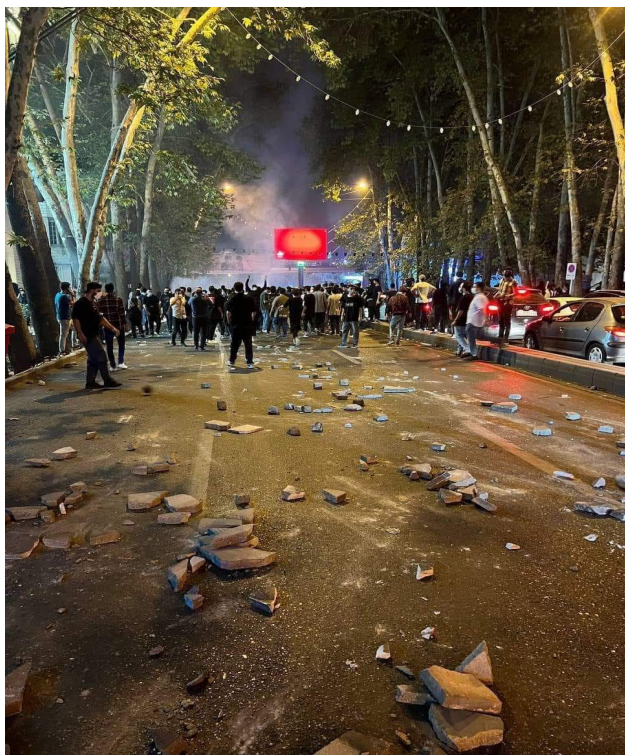
### نظام آپارتاید جنسی بقدرت ما در آستانه سرنگونی است ...

مرحله تعیین کننده رسیده است.

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری- حکمتیست به شما زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب و جنبش آزادی زن درود میفرستد و خود را بخشی لاینفک از این مبارزه پرشور میلیونی میداند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست پرچمدار مبارزه برای آزادی و برابری کامل و رهائی زن از مشقات سرمایه داری است. در این نبرد دورانساز و برای بزیر کشیدن حاکمیت آپارتاید جنسی و الغای حجاب اسلامی، برای نفی نابرابری و کلیه قوانین تبعیض گر و ضد زن، حزب در کنار و همسنگر شماست. ما در این کنگره اعلام میکنیم که جمهوری اسلامی به گذشته تعلق دارد و آینده از آن شماست. بار دیگر ضمن ارج نهادن به تسلیم ناپذیری و جسارت شما زنان و مردان آزادیخواه، از فعالین و پیشروان جنبش آزادی زن دعوت میکنیم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه آزاد و برابر به حزب کمونیست کارگری- حکمتیست بپیوندید!

پیشنهاد دهندگان: ملکه عزتی، پروین کابلی، هلاله طاهری، سیاوش دانشور

سپتامبر ۲۰۲۲



اسلامی نمیخواهیم! دست آخوند و اسلام و فرهنگ پوسیده مردسالار و سرمایه از سر زنان کوتاه! امروز مبارزه ما سیاستهای ضد زن سازش با اسلام و قوانین اسلامی را به زباله دان انداخته و همراه آن نگرش جامعه نسبت به مسئله زن را تغییر داده است. منتهاست که موقعیت واقعی و اجتماعی زن در جامعه در تناقضی عمیق با موقعیت برده وار قانونی آن قرار دارد. اگر دیروز حجاب اسلامی از پایه های اصلی حکومت اسلامی بود و برای حفظ آن به هر خشونت دست میزد، امروز از سر استیصال و ناتوانی مقابله با صف میلیونی زنان، ناچاراً گامهایی عقب نشستند، بخشاً خواهان جمع کردن گشت ارشاد شدند، از اخبار کتک خوردن آخوند و دستجات "نهی از منکر" به تنگ آمدند و به جریمه نقدی و نصب دوربین در معابر عمومی و مترو رو آوردند. اگر دیروز دختر آبی برای حضور در استادیوم فوتبال خود را به آتش میکشید، امروز فشار زنان برای استیفای حقوق بدیهی خود ناچارشان کرده بطور محدود درب استادیومها را باز کنند. و بالاخره قتل حکومتی مهسای عزیز جرقه ای بود بر انبار باروت نفرت انباشته ما از حاکمیت ضد زنی که بیش از چهار دهه نفس موجودیت ما را انکار کرده است. ما خروشیدیم تا برچینیم بساط تحقیر و بردگی را، تا برپا کنیم دنیائی نو را!

اما باید کار ناتمام را تمام کنیم. باید متشکل شویم. باید برای ایجاد سازمانهای توده ای زنان با اتکا به شبکه های مبارزاتی مان نقشه مند گام برداریم. تصور یک جامعه آزاد بدون حضور وسیع و برابر زنان خیالی باطل است. ما همواره گفته ایم که هر تحول سیاسی در ایران رنگی زنانه به معنی حضور قدرتمند و توده ای زنان دارد. امروز دنیا دارد به این واقعیت اذعان میکند. امروز همه از "انقلاب زنان در ایران" سخن می گویند. امروز دنیای ارتجاع از حرکت بی نظیر و انقلابی شما شوکه شده است. ضروری و مبرم است که هرچه وسیعتر مردان برابری طلب به صفوف این مبارزه بپیوندند و در محل کار و خیابان و محل زندگی همراه و همسنگر با زنان علیه حقارت جمعی بپاخیزند.

آزادی بطور کلی و آزادی بطور اخص، امری جنسیتی نیست. آزادی زن بطریق اولی تنها امر زنان نیست. سوال برسر برابری زن و مرد بمثابه انسان است. هدف تحقق برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد در کلیه شئون اجتماعی است. سوال برسر الغای کلیه قوانین ضد زن و نفی نظامی است که در ستمکشی زن ذینفع است. سوال برسر امنیت و حقوق زن در جامعه و در خانواده و نفی خشونت در تمام سطوح و ارتقای فرد و جامعه است. سوال برسر پیروزی همه جانبه در جنگی دیرین است که امروز به



پیام کنگره دهم حزب حکمتیست به طبقه کارگر ایران

## نوبت ایفای نقش طبقه کارگر است

### برای تصرف قدرت سیاسی و برپائی حکومت کارگری آماده شویم!

را به نفی تمامیت نظم سرمایه ارتقا دهد.

اعتصابات و اعتراضات شکوهمند بخشهای مختلف کارگران، معلمان و بازنشستگان در دوره اخیر، اگرچه با هزینه زیادی برای پیشروان این مبارزات تمام شده است، نه فقط عقب نشینی هائی به حکومت تحمیل کرده بلکه در ایجاد آگاهی عمومی و ضرورت گسترش مبارزه متحدانه برای پیشروی نقش ایفا کرده است. خصلت ضد سرمایه داری و ضد تبعیض مبارزات کارگری در کلیه شاخه های آن، علیرغم کمبودهائی که اینجا و آنجا دیده میشود، تکیه گاه مهمی است که تاکنون اجازه سؤاستفاده به موج سواری نیروهای راست و اپوزیسیون بورژوائی نداده است. مبارزات کارگری در شرایط امروز بدرست از دریچه خواستهای بلافصل رفاهی و بیرون کشیدن حقوق پایمال شده از حلقوم سرمایه داران و دولت حامی آنها صورت میگیرد. این مبارزات خود عامل تغییر تناسب قوا، گسترش کمی و کیفی آن، همینطور بسیج افکار عمومی و مردم ناراضی و ستمدیده روی خواستهای واقعی است. سوال اصلی برای طبقه کارگر ایران در جامعه ملتبه کنونی تنها تحقق خواسته های بلافصل نیست بلکه فتح سنگرهای جدید و از نظر سیاسی در راس جنبش عمومی قرار گرفتن برای آزادی و برابری و رفاه همگانی است. تحقق کامل همین خواستهای بلافصل نیز به رادیکالیزه شدن اعتراضات و ابراز وجود قویتر طبقه کارگر در مقیاس جامعه گره خورده است. لذا در ایندوران سرنوشت ساز و متحول که سیاست کل بورژوازی در حکومت و در اپوزیسیون، تداوم و بازسازی شرایط استثمار خشن و استبداد و نابرابری سرمایه داری است، طبقه کارگر راهی جز نفی کل اوضاع مشقت بار کنونی ندارد.

کارگران در ایندوران بیش از هر زمان به تشکل و تحزب، به راه حل طبقاتی بمثابه آلترناتیو حکومتی نیاز دارند. در دوره حاضر جنبش کارگری توانسته است با اتکا به مجمع عمومی و عمل مستقیم توده کارگران، خلاء ممنوعیت تشکلهای توده ای کارگری را بدرجه ای جبران کند و به نیازهای روز مبارزه کارگری جواب دهد. ضروری و مبرم است که این مسیر آگاهانه دنبال شود. گسترش و منظم کردن مجمع عمومی، شکل دادن به یک جنبش مجمع عمومی بعنوان ستون فقرات و پایه جنبش شورائی کارگری، نیاز بلافصل امروز و ایجاد پایگاه های قدرت کارگران است. کارگران در مبارزه جاری و در کشمکش برسر قدرت سیاسی به حزب سیاسی خود نیاز دارند. حزبی که نماینده دخالت مستقل طبقه کارگر در تحولات جاری با پرچم سوسیالیستی است.

ایران صحنه مبارزه پرشور توده ای و قهرمانانه زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب برای سرنگونی رژیم اسلامی است. جنبش توده ای و رادیکالی که راه افتاده است، میتواند به یک انقلاب زیر و رو کننده اجتماعی، به یک انقلاب کارگری و سوسیالیستی، به حرکتی برای آزادی جامعه بدل شود. امروز جنگ برای سرنگونی رژیم اسلامی و درهم کوبیدن حاکمیت جهل و تبعیض سرمایه بوسعت ایران با قدرت و شهامت ستودنی در جریان است. زمینه خیزش های توده ای و ایجاد این شرایط را مبارزات بخشهای مختلف طبقه کارگر، جنبش آزادی زن، فرهنگیان، بازنشستگان، دانشجویان آزادیخواه و مردم عاصی از تبعیض و ستم فراهم کرده است. زمان ایفای نقش طبقه کارگر و کوبیدن مهرش بر تحولات جاری فرا رسیده است.

مبارزات کارگری و برآمدهای توده ای مردم زحمتکش علیه وضع موجود، مبارزه علیه فقر و فلاکت، اعتراض به تبعیض و گرانی، همصدائی گسترده برای حق سلامتی و آموزش و بهداشت، مبارزه علیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی، ایران را به جامعه اعتراضات پیشرو و آزادیخواهانه بدل کرده است. کمتر کشوری در جهان هست که اعتصاب کارگری و خیزش توده ای در مقیاس ایران جریان داشته باشد. این در شرایطی است که سرکوب لجام گسیخته، ممنوعیت احزاب سیاسی و سازمانهای کارگری، حق شهروندان برای تشکل و ابراز وجود سیاسی ممنوع است و هر تلاش آزاداندیشانه برای بهبود و تغییر با سد دستگاه سرکوب و نهادهای امنیتی روبرو میشود.

قریب ۳۰۰۰ اعتصاب بزرگ و کوچک در سال، جدال روزمره علیه تبعیض و بیحقوقی و فساد و اختناق، خیزشهای توده ای برای نان و آب و نیازهای اولیه مردم، توازن قوای سیاسی را تغییر داده و موانع سرکوب را بدرجه ای عقب نشانده است. سراسری شدن اعتراضات کارگری در شکل رشته ای و متعاقب آن ایجاد هم جہتی و همزبانی وسیع تر بخشهای مختلف مردم معترض در خواستها و شعارها، پیشروی شایان و مسیری است که تاکنون طی شده است. تغییر تناسب قوای سیاسی، به همان درجه ای که تاکنون ممکن شده است، حاصل مبارزات کارگری و جانفشانی صدها رهبر سیاسی، عملی و اجتماعی است. امروز اما جامعه با تعرض زنان علیه حجاب و آپارتاید، حکومت را در آستانه سقوط قرار داده است. این بسهم خود شرایطی را برای دخالت گسترده و انقلابی طبقه کارگر فراهم کرده است که ابتکار عمل سیاسی را در دست بگیرد و امر سرنگونی حکومت اسلامی



## نوبت ایفای نقش طبقه کارگر است

### برای تصرف قدرت سیاسی و برپائی حکومت کارگری آماده شویم ...

رهبران عملی و واقعی کارگران پایه های یک جنبش شورائی- کارگری قدرتمند را ایجاد کنید و به کمتر از کسب تمام قدرت و ایجاد یک حکومت کارگری رضایت ندهید. طبقه ای که هر روز جامعه را روی دوش کار و تولید خویش سرپا نگهدارد و بازتولید میکند، خود نیز میتواند آنرا اداره کند. وقت آنست که کنترل مراکز کار و کارخانه ها را بدست گرفت. باید هر خلاء قدرت را با قدرت کارگری پر کرد و این قدرت را پایه قدرت سراسری فردا در حکومت انقلابی و کارگری قرار داد.

رفقای کارگر، فرهنگیان، بازنشستگان، رهبران عملی و اجتماعی کارگری و مبارزات توده ای، مردم رنج دیده و منکوب شده تحت حاکمیت سرمایه، زنان و مردان آزادیخواه و ضد تبعیض، این حزب شماست! نبض این حزب با جنبش طبقه کارگر و امر آزادی جامعه میزند و قوت و ضعف آن تابع افت و خیز این جنبش است. ما در این جنگ و نبرد طبقاتی علیه کلیت بورژوازی مرتجع در یک سنگریم. کنگره دهم حزب کمونیست کارگری - حکمونیست به مبارزات درخشان و تلاش قهرمانانه شما درود میفرستد. فراخوان ما اینست که برای یک پیروزی کارگری و سوسیالیستی، برای کسب قدرت سیاسی و برپائی حکومت کارگری آماده شویم!

پیشنهاد دهندگان: رضا کمانگر، سیاوش دانشور  
اکتبر ۲۰۲۲

کارگران کمونیست و سوسیالیست، رهبران عملی مبارزات کارگری!

دوره حاضر وظایف خطیری را روی دوش شما میگذارد. هزاران اعتصاب و اعتراض محصول تلاش سازمانگرا و رهبری و درایت سیاسی شماست. دوره حاضر باید دوره عروج و عرض اندام شما بعنوان رهبران سراسری مبارزه اجتماعی و طبقاتی باشد. تقویت و انسجام شبکه های کنونی در هر کارخانه و رشته معین تا ایجاد اتحادهای وسیع تر فراقابریکی، امر و تخصص شماست. مبارزات توده ای محرومان و زحمتکشان علیه فقر و فلاکت و تبعیض و زن ستیزی، تنها میتواند با هدایت سیاسی و دخالت آگاهانه پیشروان طبقه کارگر دورنمای پیروزی داشته باشد. وقت آنست که وارد عمل شوید، با تشخیص شرایط در بخشهای کلیدی از جمله حمل و نقل، صنایع نفت و مراکز مهم و بخشهای مختلف، وارد اعتصاب شوید. دخالت مبتکرانه شما هم ضامن پیروزی جنبش توده ای برای سرنگونی است و هم برای رفع استبداد و استثمار و نفی هر نوع ستم و تبعیض، به یک رهبری سراسری و عملی در جدال جاری شکل میدهد.

حزب کمونیست کارگری - حکمونیست بخشی لاینفک از مبارزه جاری کارگران برای بهبود و تغییر و حزبی برای واژگونی نظم سرمایه داری بعنوان مسبب مشقات کنونی است. فراخوان ما اینست که متحزب شوید، با تکیه به شبکه محافل کارگری و



پیام کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست به زندانیان سیاسی

## جنبش انقلابی بزودی درب زندانها را می شکند و آزادگان می کنیم!

بگیرند و شکنجه کنند و سناریوسازی کنند. گذشت زمانی که دندان خونین سرکوب مردم را ماتم زده کند. این مردم آزادی میخواهند، زندگی میخواهند، آینده میخواهند، برابری میخواهند، علیه تبعیض و سرکوب و استبداد و استثمارند. در مقابل عزم این مردم شاه برهنه است، وحشی ترین سرکوبگران به غلط کردم افتاده اند. ایران سراسر اعتراض خیابانی و سنگربندی است. اعتراض و اعتصاب مانند آتش زبانه می کشد. جمهوری اسلامی تمام شده است، روز پیروزی بر ارتجاع اسلامی نزدیک است. روزی که جنبش انقلابی درب زندانها را بشکند و تک تک تان را با قدرت خویش آزاد کند نزدیک است.

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست همراه جنبش انقلابی برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی تلاش میکند. قلب ما با شماست، دست شما عزیزان را میفشاریم و بزودی در جشن شکوهمند آزادیتان شرکت می کنیم.

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

اکتبر ۲۰۲۲

پیشنهاد دهنده: سیاوش دانشور

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست به تمام زندانیان سیاسی، به اسرای خیزشهای توده ای دیماه ۹۶، آبان ۹۸، سراوان، خوزستان، چهارمحال و اصفهان، به فعالین معلمان و جنبش کارگری، به زنان جسور ضد حجاب اسلامی، به اسرا و بازداشت شدگان خروش شکوهمند انقلابی شهرپور ۱۴۰۱ که در شکنجه گاه ها و زندانهای جمهوری اسلامی اسیرند، صمیمانه درود می فرستد.

این بار در ایران طوفانی آغاز شده است که سر ایستادن ندارد و می رود که کاخ های ثروت و قدرت جنایتکاران را ویران کند. اینبار عزمی راسخ و قدرتمند بمیدان آمده که جهانیان را به تحسین واداشته است. جنبشی که به کمتر از دفن جرثومه جنایت و فساد حکومت ضد زن و ضد آزادی رضایت نمی دهد. زنانی که قرار بود گوش به فرمان تحجر اسلامی سرمایه باشند، دارند گور هرچه آخوند و سرکوبگر و حافظین نظم کنونی را می کنند. زنان دیگر "بد حجاب" نیستند، حجاب سوزان راه انداخته اند و هرچه آمنه سادات و گماشته حکومت را به کنج رینگ رانده اند. اینروزها با تلسکوپ هم نمیتوانید یک عمامه بسر در خیابانها پیدا کنید. اینروزها همه جا فریاد است علیه جمهوری اسلامی. این بار بازجوها و شکنجه گران و عوامل حکومت اند که باید در هفت سوراخ خودشان را قایم کنند.

ورق برگشته است و روز آزادی نزدیک است. کابوس رژیم اسلامی که ۴۴ سال با توسل به ارباب، کشتار و سرکوب، جامعه ای را اسیر و از زندگی ساقط کرد، دارد به پایان میرسد. آری عزیزان، همزمان، همسنگران، یک تحول انقلابی زیر و رو کننده در جریان است. جایتان خالیست ببینید که دهه هشتادی ها و دهه نودی ها که خامنه ای روی آنها حساب باز میکرد، چگونه مانند آتشفشان با غرشی سهمگین، علیه حکومت اسلامی بمیدان آمده اند و دست خالی با سنگ و کوکتل مولوتوف نیروی سرکوب تا دندان مسلح را خفت میدهند و خلع سلاح می کنند. اوباش حکومت مانند آبان شلیک میکنند و می کشند، اما هر جنایت تنها بر آتش خشم مردم بنزین می ریزد و آنرا شعله ورتیر می کند. بقول این جوانان "بهش نگید اعتراض، اسمش شده انقلاب!"

زندان همواره یک عرصه نبرد و مبارزه و مقاومت بوده است. امروز نام زندانیان همه جا هست. امروز ما تعرض میکنیم و قاتلان و سرکوبگران را محاکمه میکنیم. سرنوشت خامنه ای ها و رئیسی ها سرنوشت حمید نوری ها است اما در دادگاه منتخب و علنی مردم پیروز بر جمهوری اسلامی. گذشت زمانی که



بیانیه کنگره دهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

## به کارگران و مردم انقلابی

### با قاطعیت در مقابل آلترناتیو راست و بورژوائی بایستیم!

۱- آنچه در ایران در جریان است یک تحول انقلابی است. تحولی که برای اولین بار زن و برابری طلبی در آن نقش محوری دارد. سرنگونی جمهوری اسلامی فرض عمومی و خواست بلافصل خیزش توده ای است. مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی در عین حال مبارزه برای دولت و نظام آتی نیز هست. در جامعه بشدت قطبی ایران و تضاد منافع آشکار طبقات، نظام آتی بناچار مهر منافع طبقه و جنبشی را بر خود دارد که بعد از جمهوری اسلامی قدرت را بدست می گیرد. نظر به پولاریزاسیون طبقاتی و سیاسی مشهود در جامعه، جنبشها و جریانات اجتماعی و سیاسی متمایز با منافع و سیاست و تاکتیک و روش متفاوت، در قالب آلترناتیو راست یا چپ، مدعی تصرف قدرت سیاسی اند. انتخاب و دو راهی روشنی در مقابل ماست: عبور از استثمار و ستم و تبعیض و نابرابری و استبداد یا اعاده نظم سرمایه داری و بازسازی آن. بسیاری از نیروهای اپوزیسیون، در سرنگونی جمهوری اسلامی ذینفعند، اما آینده متفاوتی را در نظر دارند. برخلاف وحدت طلبی دروغین و ریاکارانه اپوزیسیون راست و تمکین و همراهی چپ پوپولیست با آنها، "تأمین رهبری واحد و همه با هم" میان قطب راست و چپ نه تنها ممکن نیست، بلکه به شدت عوامفریبانه، ضد کارگری و ضد آزادیخواهی است. جنبش عظیم و انقلابی مردم ایران همزمان با پیشبرد نبرد برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی، بناگزیب باید بین آلترناتیوهای راست و چپ برای رقم زدن آینده انتخاب کند.

۲- در کمپ آلترناتیو راست، جنبش ها و احزاب و جریانات متعلق به ناسیونالیسم پرو غرب، شامل طرفداران نظام سلطنتی و مشروطه خواهان و شاخه های مختلف جمهوریخواهان و ناسیونالیست های ایرانی و ناسیونالیسم کرد و فدرالیستها، محافل و بقایای جنبش ارتجاعی و شکست خورده ملی اسلامی تا مجاهدین قرار دارند. فصل مشترک این طیف ناهمگون و بعضاً متضاد، حفاظت از ارکان نظام سرمایه داری و بوروکراسی و ماشین سرکوب، ضدیت با مبارزات رادیکال کارگران و زنان و مردان آزادیخواه است. سرنگونی و یا براندازی از نظر آنها یعنی جابجایی مهره های بالای حکومت اسلامی و دست نخوردن ارگانهای مافوق مردم و حفظ دم و دستگاه اداری و نظامی بورژوائی و ممانعت از عمل مستقیم انقلابی برای درهم شکستن جمهوری اسلامی و سرمایه داری حاکم است. امروز عمده این جریانات حول مشروطه طلبان و رضا پهلوی گرد آمده اند. اما سیر اوضاع در ایران و مخالفت توده مردم ایران و نسل جوان با

۳- آنچه کارگران کمونیست و هر فعال آزادیخواه جنبشهای اجتماعی رادیکال و نیروهای چپ و کمونیست نباید دست کم بگیرند، تقای آلترناتیو راست پرو غرب برای گرفتن قدرت سیاسی است. جنبش ناسیونالیسم طرفدار غرب، قدیمی ترین و ریشه دارترین سنت و جنبش سیاسی در ایران امروز است، این جنبش بورژوازی ایران است. از نظر اقتصادی این یک جریان عمیقاً محافظه کار و مدافع بازار آزاد است. از نظر سیاسی کوچکترین توهمی به ایجاد یک سازش طبقاتی بر مبنای تعدیل ثروت در جامعه ندارد و شدیداً آنتی کمونیست و ضد کارگر و خواهان استبداد سیاسی و کار ارزان است. از نظر فرهنگی خود را مدافع مدل جامعه غربی معرفی میکند، اما ابداً روشنگر و مدرنیست نیست. بلکه کاملاً خواهان بقای نقش مذهب، باورها و افکار و نهادهای سنتی بعنوان نیروهای کمکی در حفظ اقتدار بورژوائی در برابر طبقه کارگر و سوسیالیسم و کمونیسم کارگری این دوره است. در سطح جهانی این جریان متحد و مدافع علنی، رسمی و پرشور آمریکا و سیاست خارجی آن است. خصوصیت اصلی این جریان پرو آمریکایی بودن، دفاع از بازار آزاد و ضدیت با کمونیسم است.



## به کارگران و مردم انقلابی

### با قاطعیت در مقابل آلترناتیو راست و بورژوائی بایستیم ...

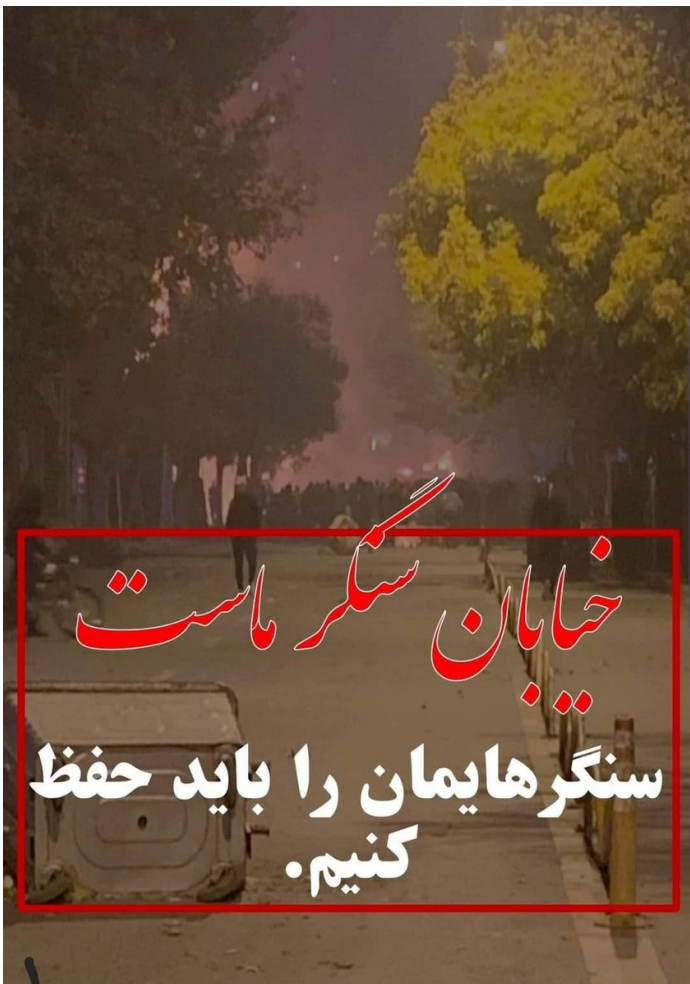
وسیله بازسازی وضع موجود و نظم کنونی کند. کنگره دهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بر مبارزه قاطع و بدون توهّم علیه آلترناتیوهای بورژوائی، ناسیونالیستی و ارتجاعی تأکید می کند و طبقه کارگر و مردم ایران را به یک "نه" قاطع به سلطه رژیم اسلامی و کل مدافعان نظام مبتنی بر استثمار و استبداد و تبعیض فرا می خواند.

پیشنهاد دهندگان: رحمان حسین زاده، سیاوش دانشور

\*\*\*

۵- معضل و مانع بزرگ آلترناتیو راست در ایران، عروج جنبش رادیکال و سرزنده زنان و مردان آزادیخواه ایران و جنبش سرنگونی انقلابی قدرتمند متکی به اراده کارگر و مردم برای برچیدن کلیت جمهوری اسلامی و ایجاد تغییربنیادی در ایران، وجود آلترناتیو کمونیستی کارگری حزبیت یافته در صحنه سیاسی است. جنبش طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی، جریانات چپ و کمونیست، و حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست برای ممانعت از جابجایی قدرت بین جناحهای مختلف بورژوائی از بالای سر مردم و برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و ایجاد یک آلترناتیو سوسیالیستی در صحنه حاضرند. ما اعلام می کنیم در مقابل افق و راه حل های بورژوائی، تقویت افق و راه حل کارگری، برافراشتن پرچم آلترناتیو سوسیالیستی طبقه کارگر با هدف سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و انهدام ماشین سرکوب دولتی بورژوائی، تنها راه مطمئن برای رهائی از شر جمهوری اسلامی است. آلترناتیو سوسیالیستی و کمونیستی کارگری متضمن وسیعترین آزادیهای سیاسی و مبنای پیشروی برای انقلاب کارگری و ایجاد جامعه ای سوسیالیستی و استقرار حاکمیت شورائی است.

۶- کنگره دهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ضمن تأکید بر مبارزه مستمر و بی امان برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، طبقه کارگر، کمونیست ها و پیشروان رادیکال جنبشهای اجتماعی را به تقابل قاطع علیه آلترناتیوهای راست و بورژوائی فرامیخواند. تجربه انقلاب ۵۷ و فاش شدن ادعاهای دروغین "امروز فقط اتحاد" و "وحدت کلمه" و تجربه جنبشهای اعتراض همگانی سالهای اخیر در خاورمیانه این واقعیت را تأکید میکند که در صف "همه با هم" طبقه کارگر و مردم آزادیخواه به نیروی ذخیره آلترناتیو بورژوائی و راست تبدیل شده و نمیتوانند راه حل آزادیخواهانه و برابری طلبانه خود را به کرسی بنشانند. اکنون دوره ترسیم بیش از پیش تمایزهای سیاسی و استراتژیک، با سیاستها و روشهای جریانات راست بورژوائی و تقویت صف مستقل طبقاتی و انقلابی است. ما اعلام می کنیم در متن کشمکش و جدال افقهای سیاسی و طبقاتی جامعه ایران برای یک پیروزی سوسیالیستی مبارزه می کنیم. ما بر هشجاری و آگاهی کارگران و مردم انقلابی در مبارزه جاری، بر آمادگی لازم و سیاست قاطع در تقابل با راه حلهای دست راستی و بورژوائی تأکید داریم. پیشروی و پیروزی جنبش انقلابی در گرو انزوا و شکست هر آلترناتیوی است که تلاش دارد انتظارات و توقعات و فداکاری انقلابی طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را



**زندانی سیاسی آزاد باید گردد!**

## قرار پیشنهادی به کنگره دهم حزب

## سازماندهی جوانان حول مبارزات دانشجویان، دانش آموزان، زنان، کودکان کار و رنگین کمانی

داده و سایر مطالبات سیاسی و کلان طبقاتی خود و جامعه را مطالبه کرده و در همین راستا دست به اقداماتی مهم زده اند. دانشجویان حتی در مواردی نمایندگانی خود را در همبستگی با اعتراضات و مطالبات طبقه کارگر فرستاده تا همبستگی طبقاتی خود را به رادیکال ترین شکل ممکن به صورت حکومت اسلامی بگوید، نمونه موخر این دست از اقدامات مربوط به اعتراضات سراسری معلمان میشود که در آن نمایندگان جنبش دانشجویی راهی صحنه اعتراضات معلمان شده و در کنار این جنبش سراسری خواستهای مشترک طبقاتی خود و معلمان را که شامل آموزش رایگان، لغو پولی سازی آموزش، لغو ایدئولوژی مذهبی از دروس میشود را فریاد زنند.

جنبش دانشجویی یکی از سنگرهای مهم مبارزات طبقاتی علیه هرگونه نظامی بالادست طبقه کارگر با هژمونی فعالین و جریانات کمونیستی و سوسیالیستی بوده و کماکان نیز گرایشی که دست بالا را در میان فعالین دانشجویان دارد گرایش چپ است. در شرایطی که نقطه عطف های بسیاری از ۹۶ تاکنون در سطح کلان و با رادیکالیسم روبه رشد در فضای سیاسی ثبت شده است، به واسطه این پوست اندازی سیاسی و مبارزاتی در دل جنبش دانشجویی ادبیات و رادیکالیسم سیاسی در این عرصه مبارزاتی نیز کاملاً تغییر یافته و به شکلی عریان حکومت اسلامی را از هر روزنه ای مورد حمله خود قرار میدهد، امری که تا قبل از ۹۸ به شکلی نیمه عریان و یا به اصطلاح در لفافه و ادبیات مخصوص داخل کشوری فرمولبندی میشد، دیگر وجود ندارد و ضمن حمله مستقیم به هر شکل از بند و بساط بورژوازی، خواهان رسیدن به خواست هایی هستند که تشکل یابی حول شوراهای متشکل از دانشجویانی در حد محفل های چند و یا چند ده نفره جابگویی مبارزات این بخش مهم از جنبش های طبقه کارگر نیست. بخش عظیم جنبش دانشجویی چپ در یک سال گذشته در حال سبک سنگین کردن جهت گیری های مختلف نیروها و احزاب چپ بوده و بخشی از مشاهدات نشانگر گرایش هژمن چپ ارتدکس و مرزبندی جدی با هرگونه تئوری و فرمولبندی همه با همی و پوپولیستی بوده و در همین راستا دوام خط درست کمونیستی-کارگری با سازماندهی سراسری گزینه ای جدی و موثر جلوی پای این بخش مهم از جنبش دانشجویی خواهد گذاشت.

## جنبش رهایی زن:

جنبش رهایی زن بخشی پیشرو از عرصه های مبارزاتی و طبقاتی در دل جامعه است که در تمامی بخش های طبقه

در برهه ای به سر میبریم که جنبش های طبقه کارگر از جمله؛ معلمان و بازنشستگان و بخشی از جنبش کارگری در تلاش برای بهینه کردن سازماندهی و تشکل یابی حول ظرفی عمومی و فراگیر همچون مجمع عمومی و شوراهای سراسری با مطالبات رادیکال و کلان سیاسی به مبارزات خود ادامه میدهند. نمونه عریان این تشکل یابی شورای هماهنگی فرهنگیان ایران است که همراه با سازماندهی سراسری اعتراضات سراسری در بیش از ۳۰۰ شهر از اول مهر ۱۴۰۰ و سایر اقدامات مهم متناسب با توازن قوای سیاسی، با تشکیل کلاب هاوس های متعدد به صورت تریبون آزاد و بلندگو دادن به فعالین به خصوص جنبشهای طبقه کارگر، جنبش کمونیسم کارگری و سایر فعالین سیاسی ظرفی شبیه به مجامع عمومی ایجاد کرده اند.

تشکل یابی در نیمه دوم دهه ۹۰ روند روبه جلو و مثبتی را طی کرده است. اگر به صورت دقیق تر بخواهیم نگاهی اجمالی به روند این تشکل یابی ها بپردازیم؛ بعد از دیماه ۹۶ و پس از آبان ۹۸، اعتصاب عمومی نفت در ۱۴۰۰، خیزش مردم در اصفهان و خوزستان، اعتراضات سراسری معلمان در بیش از ۳۰۰ شهر در ظرف بیش از یک سال تاکنون و اعتراضات سراسری سال ۱۴۰۱ فضای مبارزاتی و ادبیات مبارزاتی عرصه های مختلف مربوط به طبقه کارگر را دگرگون کرده و نیاز به ارتقا ظرف و نوع تشکل یابی در سطحی وسیع تر از گذشته و به شکلی سراسری بیش از پیش احساس میشود.

## جنبش مستقل دانش آموزی:

در سال ۱۳۹۹ شاهد سازمانیابی جنبش نوظهور دانش آموزی از هشتگرد کرج تا گیلان و سایر شهرهای جنوبی کشور در اعتراض به شرایط نامناسب تحصیلی در دوره کرونا بودیم که روش مطالبه گری و سازماندهی این بخش نشان از پوست اندازی نوجوانان در عرصه مبارزات طبقاتی بودیم. این جنبش با سرکوب و فشارهای فراوان روبرو بوده و با آغاز به کار از سال ۹۹ با خطوط کمونیسم کارگری میتواند با پیگیری و دوام سازماندهی فعالان این عرصه در داخل کشور به سنگر مبارزاتی مهمی در دل جامعه بدل شود.

## جنبش دانشجویی:

جنبش دانشجویی با توجه به پولی سازی و بدل شدن آموزش کشور به یکی از بنگاه های مالی برای سرمایه داری هار اسلامی به اعتراضات خود به این بند و بساط بورژوازی ادامه



## قرار پیشنهادی به کنگرہ دهم حزب

## سازماندهی جوانان حول مبارزات دانشجویان، دانش آموزان، زنان، کودکان کار و رنگین کمانی ...

بخش از جامعه را برطرف کند. سازماندهی جوانان در جهت مقابله و مبارزه با این واقعیت موجود در جامعه ایران بویژه حل مشکلات مالی و زیستی کودکان کار وظیفه سازمان و نهادی شورایی متشکل از جوانانی میباشد که در این راستا مجادله کنند و با مختصات جنبش کمونیسیم کارگری در راستای رسیدن به یک دنیای بهتر تلاش کنند.

## جنبش رنگین کمانی

فعالین رنگین کمانی عضو غیر قابل انکار و فعال در مبارزات طبقه کارگر می باشد و فعالیت‌های موثری در دل عرصه های همچون؛ جنبش دانشجویی، جنبش رهایی زن، کارگری و کمونیستی پیش برده اند. با توجه به استفاده کالایی و ابزاری بورژوازی از جنبش LGBTQ+ در جهت فروش ایدئولوژی سرمایه داری به جامعه به عنوان مدافعان ترقی و روشنفکری بر جامعه جهانی در حالی که شاهد بایکوت همین بخش از جامعه توسط خود سیستم سرمایه داری در محیط کار و زیست، نیاز مبرمی به سازماندهی کمونیستی جهت خلاصی از یوغ بردگی مزدی و سرمایه داری جنبش رنگین کمانی است. همانطور که طبقه کارگر را نمیتوان به زن و مرد تقسیم کرد و نیاز به عرصه ای دقیق تر تحت عنوان جنبش رهایی زن برای مطالبات زنان در سطح ماکرو لازم است، جنبش رنگین کمانی و یا LGBTQ+ با توجه به وجود خصوصیات خاص جنسیتی همچون ترنس ها بعنوان جنس سوم و یا نرم هایی که تلاش و مبارزات علیه آپارتاید جنسی را میطلبد نیاز به سازماندهی چپ و کمونیست با فرمولبندی و به خصوص پراتیک به دور از راست گرایی و هر نوع پوپولیسم در این جریان است. قطعاً رنگین کمانی ها را نمیتوان از جنبش های طبقه کارگر جدا کرد ایجاد بستری مجزا با مختصات کمونیسیم کارگری و نقد چارچوب های سرمایه داری به عنوان عوامل اصلی ایجاد تبعیض علیه این بخش از جامعه می تواند جهت کلی جنبش رنگین کمانی را دگرگون کند.

گستره سازماندهی جوانان حول مبارزات دانشجویان، دانش آموزان، زنان، کودکان کار و رنگین کمانی

ایجاد سازمان و یا کمیته حزبی و یا تحت حمایت حزب

سازماندهی فعالین حزبی حول مبارزات دانشجویان، دانش

آموزان، زنان، کودکان و رنگین کمانی ها

برگزاری کلاس های آموزشی حول اصول کمونیسیم کارگری

مربوط به عرصه های مورد بحث

تشکیل هیات اجرایی و هیات تحریریه جهت تولید محتوا و

اقدامات تبلیغی در داخل و خارج از کشور

کارگر به مبارزات طبقاتی خود ادامه داده و علی رغم خواستهای طبقاتی و معیشتی و شغلی، خواستهایی را نیز مطرح میکنند که ماهیت آپارتاید جنسی حکومت اسلامی را هدف خود قرار میدهد. برخلاف تبلیغات راست و بورژوازی در برخورد با جنبش رهایی زن با تقلیل مطالبات به حجاب و رقص و موزیک، زنان به عنوان نیمی از جامعه ستونهای مذهب و ارتجاع اسلامی را همراه با سلطه سرمایه داری مورد حمله قرار میدهند، اما با نبود امکانات رسانه ای شاهد لائسه شدن فعالین دوم خردادی سابق و یا راست پرو غرب کنونی از سوی رسانه های بورژوازی و با سازماندهی از بالا هستیم. جریانات چپ پوپولیست نیز با لنین تشبیه کردن سردمداران این جنبش میانه رو و رفرمیست قصد دارد خود را به عنوان جناح چپ این جریانات معرفی کند اما راهکار درست سوسیالیستی و یا کمونیستی-کارگری سازماندهی این بخش از جامعه با مختصات جنبش کمونیسیم کارگری است.

جنبش رهایی زن نیازمند به سازماندهی از دل جوانانی است که در دل عرصه های مختلف طبقه کارگر از معلمان، کارگران و دانشجویان و حتی دانش آموزان جهت احقاق تمامی حقوق سلب شده شان در نتیجه حکومتی که بر پایه مذهب و سرمایه ساخته و تحمیل شده می باشد تا از این طریق بتواند به شکلی قوی تر برابر جمهوری اسلامی قد علم کرده و شیوه مبارزاتی خود را بر پایه رادیکالیسمی استوار بر مختصات کمونیسیم کارگری در دستور مبارزاتی خود قرار دهند.

## کودکان کار

کودک کار که خود عبارتی متناقض با مفاهیم کار و کودک است از سیستم فئودالی و سرمایه داری نماد بارز بردگی مزدی و بربریت بورژوازی به عریان ترین شکل ممکن بوده است. بواسطه افسارگسیختگی رو به رشد بورژوازی اسلامی حاکم در ایران اما هر روزه بر تعداد کودکان کار افزوده میشود. مسئله کار کودک به عنوان نقض آشکار حقوق انسانی، به واسطه افزایش روز افزون فقر و اختلاف طبقاتی و همچنین در دو سال گذشته ترک تحصیل بیش از ۵ میلیون دانش آموز در پی عدم قدرت تامین لوازم تحصیل اینترنتی از جمله؛ تلفن هوشمند و تبلت و اینترنت پرسرعت موجب ثبت رکوردی در فلاکت طبقاتی و بدل دانش آموزان به کودک کار جهت سیر کردن خود و خانواده هایشان شده است. در زمینه کار کودک فعالین جنبش های مختلف طبقه کارگر از جنبش کارگری تا دانشجویان، فعالین حقوق کودکان و حقوق بشری دست به اقداماتی مختلف زده اند اما اقداماتی که تاکنون انجام گرفته نتوانسته مشکل زیست این

قرار پیشنهادی به کنگره دهم حزب

## سازماندهی جوانان حول مبارزات دانشجویان، دانش آموزان، زنان، کودکان کار و رنگین کمانی ...

کمونیست و آزادی خواه بین المللی جهت افشاگری و  
منزوی کردن جمهوری اسلامی

پیشنهاد دهنده: امیر عسگری

\*\*\*

فعالیت با فوکوس بیشتر حول عرصه های مورد بحث در  
تولیدات حزبی  
همکاری و اقدامات موثر بین المللی در جهت بیان مطالبات  
عرصه های مورد بحث رو به جامعه جهانی و نیروهای



نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

هفتگی  
کمونیست

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که  
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

[www.hekmat.com](http://www.hekmat.com)

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

## پیش نویسی آئین نامه

## کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

به دستور تصویب کرده باشد. هیچ قرار و طرح قطعنامه جدیدی در کنگره دریافت نمیشود و به رای گذاشته نمیشود. (تصویب استثناء بر این قاعده تنها با رای نصف بعلاوه یک نمایندگان کنگره مجاز است).

۹- ترتیب جلسات:

الف: شروع و اعلام رسمیت کنگره

مارش انترناسیونال، سکوت به احترام جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و خروش انقلابی شهریور ۱۴۰۱.

بخش کلیپ تهیه شده از اعتراضات

سخنرانی افتتاحیه

تصویب اعتبارنامه نمایندگان

تصویب آئین نامه کنگره

ب- بررسی و تصویب دستورهای کنگره (گزارش - اسناد رسیده کتبی، بیانیه، قطعنامه، قرار - انتخابات)

معرفی هیئت رئیسه جلسات کنگره دائم، پایان کار هیات

رئیسه موقت

پیامها - از سازمانها و احزاب به ترتیب الفبا

ورود به دستورهای کنگره

۱۲- گزارشات به رای گذاشته نمیشود. وقت موجود میان سخنرانان تقسیم میشود. پس از اظهار نظر سخنرانان مختلف، یک نوبت کوتاه نهایی برای توضیح بیشتر در مورد جوانب مورد بحث گزارشات به ارائه کنندگان آنها داده میشود.

۱۳- در پایان هر اجلاس (صبح یا عصر) نیم ساعت برای اظهار نظر میهمانان و ناظرین وقت داده میشود.

\*\*\*

۱- هیات رئیسه کنگره از طرف دبیر کمیته مرکزی و رئیس دفتر سیاسی، بر اساس توانائی در اداره جلسات، به کنگره معرفی خواهند شد. در هر اجلاس یک نفر از هیات رئیسه، ریاست کنگره را برعهده خواهد داشت.

۲- تمام تصمیمات با اکثریت نسبی آراء نمایندگان تصویب میشود.

۳- رای گیری درکنگره، بجز درانتخابات کمیته مرکزی، علنی است. شمارش دقیق آراء در رای گیریهای علنی در مواقعی که تفاوت رای های موافق و مخالف عیان است ضروری نیست. در صورت نزدیک بودن رای های موافق و مخالف، به تصمیم رئیس و یا با پیشنهاد ۲ نفر از نمایندگان آراء شمرده میشود.

۴- در طرح هر قطعنامه و قرار و پیشنهادی، موافق و مخالف به تعداد مساوی صحبت میکنند. ارائه دهندگان هر قطعنامه مرکب (مبحث اصلی) یک نوبت در پایان بحث برای جمع بندی مبحث خواهند داشت. ارائه دهندگان قطعنامه های ساده و قرارها نوبت جمع بندی نخواهند داشت.

۵- مباحث اصلی دو ارائه دهنده دارند. مابقی سخنرانان در سالن نوبت میگیرند.

۶- از میان کسانی که نوبت گرفته اند، در صورتی که به هرکس کمتر از ۵ دقیقه وقت برسد، سخنرانان به تعداد لازم به قید قرعه تعیین میشوند.

۷- کفایت مذاکرات به پیشنهاد هیات رئیسه و یا دو نفر از نمایندگان به رای گذاشته میشود.

۸- کنگره تنها به مباحث و پیشنهاداتی میپردازد که از قبل بطور کتبی در اختیار کنگره قرار داده شده باشند و کنگره ورود آنها را





# Iran Uprising 2022 No to gender apartheid!



The 10<sup>th</sup> congress of Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

زنده باد سوسیالیسم!